| تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۶/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰ |

روش‌شناسی "جریان‌شناسی" به‌مثابه دانشی میان‌رشته‌ای مبتنی‌بر پارادایم علم اسلامی

علی ابراهیم‌پور

طلبهٔ سطح عالی حوزهٔ علمیهٔ قم، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ دانشگاه باقرالعلوم(علیه‌السلام). قم. ایران.

montazer.mahdy@gmail.com

چکیده

یکـی از مفاهیـم جدید و درعین‌حـال پُرکاربرد در فضای فکری و سیاسـی پس از انقلاب اسلامی، مفهوم «جریان‌شناسی» است و امروزه این واژه برای اندیشمندان عرصه‌های فکر و فرهنگ و سیاست و دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی غریب نیست. ایـن مفهـوم با قیدهـا و پسـوندهای مختلفی همچـون «جریان‌شناسـی فکری»، «جریان‌شناسی فرهنگی»، «جریان‌شناسـی سیاسی» و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته اسـت و محققان و اساتید مختلف هر یک با گرایش‌های فکری و دغدغه‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های سیاسـی خاص و براسـاس الگوی نظری پذیرفته‌شـدهٔ خود، به مقوله‌بندی اندیشـه‌ها و طبقه‌بندی کنشگران فرهنگی و توضیح پدیده‌های تاریخی و فکری و اجتماعی می‌پردازند.

البته این مباحث سـوءتفاهم‌ها، تشـتت آرا و درهم‌ریختگی معرفتی را به دنبال داشته و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحیّر کرده است. در ریشه‌یابی دقیق می‌توان گفت عامل اساسـی این تحیر و سـردرگمی نبود یک منطق واحد و روش‌شناسـی کارآمد اسـت؛ ازاین‌رو، برای رهایی از این تشـتت‌ها و سـوءتفاهم‌ها لازم اسـت منطق و الگوی مشخص و علمی جریان‌شناسی کشف و منقح شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

این مقاله در تلاش است تا الگویی برای روش‌شناسی جریان‌شناسی ارائه دهد. در این الگو با توجه به تحلیل ابعاد جریان‌شناسی، متناسب با هر بعد از جریان، روش‌شناسی خاص دانش مربوط به آن بعد در الگویی ترتیبی قرار می‌گیرد و از این طریق، روش‌شناسی جریان‌شناسی اسلامی، مبتنی‌بر مبانی حکمت اسلامی را مطرح می‌کند که به نظر موجب شکل‌گیری دانش میان‌رشته‌ای خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جریان، جریان‌شناسی، منطق و روش‌شناسی جریان‌شناسی، دانش میان‌رشته‌ای.

مقدمه

مفهوم «جریان‌شناسی» و «جریان» از مفاهیم جدید و پرتکرار در فضای فکری و سیاسی دهه‌های اخیر پس از انقلاب اسلامی است؛ امروزه فرهنگ و سیاست، «جریان» و «جریان‌شناسی» برای اندیشمندان عرصه‌های فکرْ واژه‌ای غریب نیست. این مفهوم با قیدها و پسوندهای مختلف «فکری»، «فرهنگی»، «سیاسی» و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته و جلسات متعددی با این موضوع‌ها برگزار می‌شود. محققان مختلف با الگوهای نظری و خلاقیت‌های شخصی متفاوت، پدیده‌های تاریخی، فکری و اجتماعی را توضیح می‌دهند و به مقوله‌بندی اندیشه‌ها و طبقه‌بندی کنشگران فرهنگی و تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند و به نوعی مسیر تاریخ و جامعه را ترسیم می‌کنند.

معرفت برآمده از جریان‌شناسی، ادبیاتی پرجاذبه و پرنفوذ دارد و منجر شده است که توسعهٔ ادبیات جریان‌شناسی با سرعت بالایی ادامه پیدا کند، اما چالش اصلی اینجاست که نوپدیدبودن این مباحث در جامعهٔ امروزِ ایران و کثرت مدعیان این حوزه و عدم تنقیح مبانی، منطق و روش این مباحث، سوءتفاهم‌ها، تشتت آرا و درهم‌ریختگی معرفتی را به‌دنبال داشته است و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحیّر کرده است. این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها به قدری است که جریان‌شناسی مخالفان و موافقانی جدی در میان اندیشوران پیدا کرده است.

بدیهی است که حل مشکل جز در پرتو نگاه درجه دومی به «جریان‌شناسی» به‌دست نمی‌آید. اگر بخواهیم از این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها رهایی یابیم، به‌نظر می‌رسد لازم است تا جریان‌شناسی موضوع مطالعه‌ای دقیق و مستوفی قرار گیرد تا از این طریق، این دسته از معرفت‌ها را در جایگاه واقعی‌اش قرار دهیم، ارزش و روش آن را روشن کنیم و منطق و الگویی مشخص و متناسب برایش توصیه کنیم؛ بنابراین، بدین منظور ناگزیریم کار علمی و دقیقی بر روی نفسِ جریان‌شناسی انجام دهیم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

مقالهٔ «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی "جریان" و "جریان‌شناسی"» قدم اول این کار را برداشته است و با بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح دربارهٔ مفهوم جریان و جریان‌شناسی و نقد و بررسی آن‌ها، بستر ارائهٔ تعریفی جامع و منتخب از جریان و جریان‌شناسی را فراهم کرده و در پایان تعریفی مختار از جریان ارائه داده است. مطابق این تعریف، جریان حقیقتی اجتماعی پویا و زنده است که در متن جامعه حیات دارد. این حقیقت از ابعادی تشکیل شده است که به‌صورت نظام‌وار با یکدیگر در ارتباط‌اند و هویتی سیستمی به جریان می‌بخشند. مطابق آن تحقیق، «جریانْ پدیدهٔ اجتماعیِ متشکل از مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی (نظام مشترک معنایی) بوده است که جمعیتی نظام‌یافته (مدیریت‌شده) براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند». همچنین، مطابق بررسی صورت‌گرفته در آن مقاله، هرچند مشابه تولیدهای جریان‌شناسانهٔ فعلی، تحقیقاتی نیز هم در غرب و هم در تراث بومی ما دیده می‌شود، آن‌گونه که امروزه در کشور ما رایج شده است، جریان‌شناسی امری نو و بدیع و جدید است و سابقه ندارد. از میان واژگان لاتین نیز عبارت کارنت (Current) به‌عنوان معادل جریان برگزیده شده است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸).

همچنین، در راستای تلاش علمی جهت برطرف‌کردن تشتت‌ها و سوءتفاهم‌های موجود دربارهٔ هویت جریان‌شناسی، مقالهٔ «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی-معرفتی "جریان" به‌مثابه موضوع دانش جریان‌شناسی» برای تثبیت هویت دانشی «جریان‌شناسی» کوشیده است؛ بدین معنا که جریان‌شناسی نه یک‌سری گزاره‌های متفرق و تبلیغاتی-ژورنالیستی، بلکه دانشی میان‌رشته‌ای با روش‌شناسی خاص خود است. این دانش که از مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناختی پارادایم علم اسلامی بهره می‌برد، موضِع «رئالیسم معرفتی» را به‌عنوان پشتوانهٔ معرفت‌شناختی خود اخذ کرده است. به‌طورخلاصه می‌توان گفت پارادایم علم اسلامیْ رقیب پارادایم‌های مرسوم غرب مدرن است که مبانی آن به‌صورت عمیق توسط حکمای مسلمان بررسی شده و در طول تمدن اسلامی در علوم ریشه افکنده است. این مبانی در دوران معاصر توسط محققان بازخوانی شده و به‌صورت پارادایمی منسجم صورت‌بندی و ارائه شده است (پارسانیا، ۱۳۹۰: صص ۱۵۷-۱۳۵؛ خسروپناه، ۱۳۹۳: صص ۶۰۸-۶۰۷؛ واسطی، بی‌تا؛ گلکار، ۱۳۹۵؛ امین‌پور، ۱۳۹۰: صص ۲۳۰-۹۹؛ شریفی، ۱۳۹۳: صص ۳۴۰-۲۷۵).

دانش جریان‌شناسی در سنت حکمت اسلامی تعریف می‌شود. با توجه به انضباط‌های حاکم بر این سنت نظری، علوم به موضوع خود تعریف می‌شوند. بر این اساس، جریان‌شناسی دانشی است که دربارهٔ جریان (اجتماعی) بحث می‌کند. از آنجا که تعریف دانش با تعریف موضوع علم و بررسی اعراض ذاتی آن گره خورده است، تا زمانی که ابعاد و عناصر جریان بررسی و منقح نشوند

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

و شـناخت دقیق مقومات «جریان» به‌دسـت نیاید، حدود و ثغور دانش جریان‌شناسـی مشـخص نمی‌شـود. بنابـر تعریف منتخب، مقومـات جریان عبارت‌اند از: ۱. سـاختار سیسـتم، ۲. هویت اجتماعی، ۳. نظام مشـترک معنایی، ۴. پویایی، ۵. جمعیت، ۶. مدیریت و رهبری، ۷. اثرگذاری. این ارکان، با یکدیگر در ارتباط‌اند و جریان را به‌صورت یک سیسـتم شـکل می‌دهند که از میان این ارکان، نظام مشـترک معنایی رکن محوری جریان است. با توجه به سیستمی‌انگاری هویت جریان، جریان‌شناسـی عبارت است از شناخت این سیستم. شناخت این سیستم نیز بر فهم تک‌تک اجزا و ارکان آن و همچنین، فهم ارتباط دوسویه میان اجزا و ارکان آن متوقف است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷).

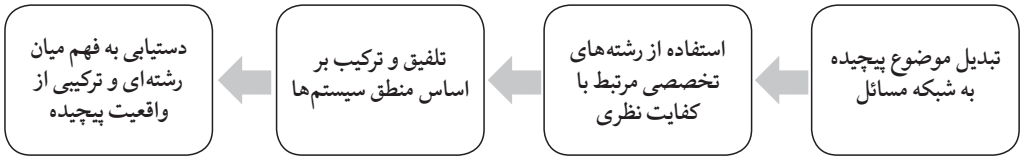
هـر یک از روش‌هـای علوم تخصصی مسـئله‌ای محدود و جنبه‌ای خاص از پدیده را بررسـی می‌کننـد، امـا موضوع‌هـای پیچیده و چندبعـدی، نیازمند اسـتفادۀ ترکیبی و تلفیقـی از روش‌ها و اطلاعات اسـت؛ ازاین‌رو، بـرای چنین موضوع‌هایی، روش‌های تلفیقی یا اصطلاحاً میان‌رشـته‌ای توصیه می‌شود (رپکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۱؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۴۴ و ۲۰۳).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در مطالعۀ میان‌رشـته‌ای، از سیسـتم پیچیده به شـبکۀ مسائل و از شـبکۀ مسائل به مدل سیستمی حرکت می‌کنیم؛ ازاین‌رو، سیر حرکت میان‌رشته‌ای پژوهش حرکت از وحدت به کثرت و سـپس از کثرت به وحدت اسـت. از سیستم، که کل واحد است، مجموعه‌ای از مسـائل تولید می‌شـود و به کثرت می‌رسد. در این مرحله علوم جزئی و تخصصی به‌میان می‌آیند و پاسـخ تک‌گزاره‌ها احصا و تحقیق می‌شـود تا تحقیق به کفایت بینشـی در رشـته‌های تخصصی دسـت یابـد. در مرحلۀ بعد، گزاره‌های کثیر جزئی به‌دسـت می‌آیند، براسـاس منطق سیسـتم‌ها و انسـجام‌گروی نظریه‌پردازی می‌شـوند و به تلفیق و انسجام می‌رسـند و در قالب ارائۀ مدل سیستم به وحدت خود بازمی‌گردند (رپکو، ۱۳۹۶: ص ۲۴۰؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۱۹۳).

بنابراین، مطالعۀ میان‌رشـته‌ای سـیری از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت دارد؛ سـیر از وحدت موضوع به کثرت مسـائل و دانش‌ها و بهره‌مندی از روش‌های تخصصی متناسـب و سـپس سـیر از کثـرت اطلاعات بـه وحدت فهم میان‌رشـته‌ای. بر همین اسـاس، می‌تـوان فرایند مطالعۀ میان‌رشته‌ای را به شکل زیر تصویر کرد:[1]

۱. آلـن رپکو نیز در صفحۀ ۴۵ کتاب پژوهش میان‌رشـته‌ای: نظریه و فرایند، با نموداری شـبیه نمودار ترسیم‌شـده با عباراتی متفاوت، به سه جزء از اجزای این نمودار اشاره می‌کند.

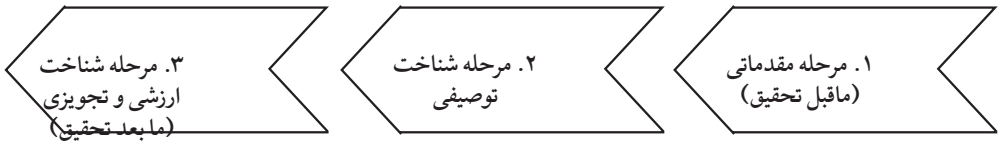
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]



شکل ۱. فرآیند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای

بـا توجه بـه اینکه طرح جریان‌شناسـی به‌مثابه دانش میان‌رشـته‌ای و نوپدیدبـودن این مباحث سـابقهٔ طولانـی ندارد، ایـن مقاله در تلاش اسـت تا در راسـتای تثبیـت و تقویت هویت دانشـی «جریان‌شناسی»، با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای، ازطریق تحلیل منطقی تعریف این دانش و چهارچوب کلان الگوی مطالعات میان‌رشـته‌ای، روشی عام برای جریان‌شناسی به‌صورت مطلق پیشنهاد دهد.

بنابر مدل پیشـنهادی این تحقیق، جریان‌شناسـی دارای سه مرحلهٔ کلی است: ۱. مرحلهٔ قبل از شـروع فرایند تحقیق و پژوهش؛ ۲. مرحلهٔ تحقیق و شناخت توصیفی؛ ۳. مرحلهٔ شناخت ارزشی، تجویزی و داوری که مرحلهٔ اسـتفاده از محصولات پژوهش و آماده‌سازی محصولات تحقیق برای استفاده است. این سه مرحله، چنان‌که در نمودار نیز آمده است، بر هم مترتب هستند.



نمودار۱. فرآیند برگزیده در روش جریان‌شناسی

هر کدام از این سـه مرحله، قدم‌هایی را در خود جای داده‌اند که با طی آن می‌توان به محصولی علمی و روشمند دست یافت که ثمره‌هایی را که برای جریان‌شناسی به‌مثابه یک علم مترتب می‌شود محقق کنند.

۱. مرحلهٔ مقدماتی (ماقبل تحقیق)

قبـل از آنکـه محقق سـلوک معرفتی خود را در شـناخت جریان‌ها آغاز کند، لازم اسـت دو قدم را به‌عنـوان مقدمهٔ حرکت خود بردارد. این قدم‌های مقدماتـی، هرچند به لحاظ منطقی، جزء مراحل

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

روش‌شناسی محسوب نمی‌شوند، از آنجا که از مقدمات مهم آن هستند لازم است به‌عنوان مراحل مقدماتی جریان‌شناسی به آن‌ها توجه شود.

۱ـ۱. اخذ مبنا و چهارچوب فکری

در ایـن قـدم محقق به خود و چهارچوبـی می‌نگرد که می‌خواهد در آن طـی طریق کند. لازمهٔ هر حرکت معرفتی و پژوهش علمی، انتخاب چهارچوب فکری اسـت. این چهارچوب فکری شـامل مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی روش‌شناختی و مبانی ارزش‌شناختی می‌شود. انتخاب هر نوع چهارچوب فکری در این مرحله بر نتیجهٔ تحقیق اثری مستقیم می‌گذارد.

درواقع، محقق باید در پلهٔ اول انتخاب کند که در کدام پارادایم می‌اندیشـد و پژوهش می‌کند؟ این قدم، انتخاب روش‌شناسـی بنیادینی است که روش‌شناسی‌های کاربردی را در دامنهٔ خود متولد می‌کند.

براسـاس آنچه در سـطور پیشین گذشـت، چهارچوب فکری منتخب این پژوهشْ پارادایم علم اسلامی برآمده از حکمت اسلامی است.

۱ـ۲. کسب لوازم موردنیاز

هر فعالیتی به ابزار مخصوص به خود نیاز دارد و هر فاعلی برای فعل خود، نیازمند لوازمی اسـت. محقق جریان‌شناسـی نیز برای آنکه در سـلوک علمی خود موفق باشـد و به جریان‌شناسی کامل و سودمندی نائل آید، نیاز دارد ابزارهای لازم برای این مسیر را کسب کند. نیازهای جریان‌شناس یا از نوع منشی و گرایشی است و یا از نوع بینشی، معرفتی و علمی.

جریان‌شناسـی از آن جهت که یک «دانش» اسـت، نیازمند منابع علمی است و از آن حیث که دانشی «میان‌رشته‌ای» است، از علوم مختلف و روش‌های علمی متفاوت استفاده می‌کند؛ بنابراین، جریان‌شناس نیازمند آشنایی و بهره‌گیری از مجموعه‌ای از علوم و روش‌های علمی است. این علوم و دانش‌هـا برای جریان‌شـناس در حکم ابزار و منبع عمل می‌کنند؛ بدیـن معنا که یا بصیرت و فهم جریان‌شناس را بالا می‌برند، یا اصول و قواعدی را به او آموزش می‌دهند تا بتواند ارکان جریان را در مرحلهٔ شناخت درک کند و روابط میان آن‌ها را تشخیص دهد.

به‌طور کلی، علوم و منابع معرفتی موردنیاز در جریان‌شناسـی را می‌توان در سه بسته دسته‌بندی کرد: «بسـتهٔ الگویی»، «بسـتهٔ محتوایی» و «بسـتهٔ روشـی». جریان‌شناس با تسـلط بر علوم بستهٔ الگویی و اشـراف بر ابزارهای بسـتهٔ روشی، سراغ منابع بسـتهٔ محتوایی می‌رود و گزاره‌های معرفتی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

موردنیاز جریان‌شناسی را استخراج می‌کند.

اینکه این علوم در مرحلهٔ مقدماتی الگوی جریان‌شناسی بیان شد، با هدف افزایش بصیرت جریان‌شناس و تقارب محقق به موضوع موردتحقیق است. بدون آشنایی و انس با این علوم و این روش‌ها محقق نمی‌تواند گلیم جریان‌شناسی را از آب تحقیق بیرون بکشد.

۲. مرحلهٔ شناخت توصیفی

جریان‌شناسی در نگاه کلان، دارای دو مرحلهٔ شناخت توصیفی و شناخت ارزشی و تجویزی است. در شناخت توصیفی که مرحلهٔ اول جریان‌شناسی است و بر مرحلهٔ شناخت ارزشی و تجویزی تقدم دارد، جریان‌های اجتماعی به‌عنوان عناصر تحقق‌یافته در عرصهٔ اجتماع مطالعه می‌شوند؛ درواقع، جریان‌شناس در این مرحله بدون آنکه بخواهد جریان‌ها را در چهارچوبی مشخص داوری یا دسته‌بندی کند، می‌کوشد آن‌ها را به‌طور فی‌نفسه مطالعه کند.

بعد از شناسایی جریان‌ها و مطالعهٔ توصیفی آن‌ها، نوبت به مطالعهٔ ارزشی و تجویزی آن‌ها می‌رسد. در این مرحله جریان‌های متناسب با اصول ارزش‌شناختی ارزیابی می‌شوند و عیار آن‌ها مشخص می‌شود تا مقدار نزدیکی یا دوری‌شان از جریان حق معین شود. همچنین، در این مرحله می‌توان جریان‌ها را متناسب با نیازهای عملیاتی و کاربردی، براساس معیارهای موردنیاز دسته‌بندی کرد. با توجه به تقدم شناخت توصیفی از تجویزی، صحت داوری‌های مرحلهٔ دوم متوقف بر شناخت جامع و کامل در مرحلهٔ اول است.

باید توجه داشت که میان این دو مقام بایستی تفکیک صحیحی ایجاد کرد. پارادایم علم اسلامی متناسب با مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی خود بر جداسازی مقام شناخت توصیفی از شناخت ارزش‌گذاری، توصیه‌ای، تجویزی و داوری تأکید فراوان می‌کند. مهم‌ترین اصل آن در این زمینه، تفکیک میان عقل نظری و عقل عملی است (ر.ک.: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۲۹؛ حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ص ۲۴۰؛ همو، ۱۳۹۳: ص ۳۸؛ مطهری، ۱۳۷۷الف: ص ۵۰۳؛ همو، ۱۳۷۷ب: ص ۷۱۳؛ سبزواری، ۱۳۶۹: ص ۱۶۶). خلط میان این دو مقام، خطرها و آسیب‌های فراوانی به دنبال دارد و پاره‌ای از انتقادها و آسیب‌های جریان‌شناسی نتیجهٔ عدم تفکیک صحیح میان این دو مقام است.

شناخت توصیفی جریان، خود از دو گام تشکیل می‌شود: شناخت اجمالی یا طراحی نقشهٔ اولیهٔ جریان‌ها و سپس شناخت تفصیلی آن‌ها.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۲ـ۱. شناخت اجمالی (انتخاب موضوع و فرضیه‌سازی)

جریان نوعی سیستم اجتماعی است که جریان‌شناسی می‌کوشد آن را بشناسد و معرفی کند. برای آنکه جریان‌های اجتماعی شناخته شوند، در گام اول باید اصل جریان شناسایی شود و در گام دوم، به‌عنوان یک سیستم اجتماعی مطالعه شود. تا وقتی به‌صورت اجمالی ندانیم که «آیا اصلاً جریانی وجود دارد یا خیر» و «اگر وجود دارد، کدام است» نمی‌توانیم از شناخت تفصیلی آن حرفی بزنیم.

درواقع، گام اول جریان‌شناسی در مقام «موضوع‌سازی» برای گام دوم است. در گام اول، ابتدا شناخت اجمالی دربارهٔ اصل جریان‌های اجتماعی به‌دست می‌آید و موضوع مطالعه انتخاب می‌شود و فرضیه‌هایی برای جریان‌های موجود و متحقق به‌دست می‌آید؛ سپس نتایج این گام اول، به‌منزلهٔ طرح اولیه‌ای که در آن جریان‌های احتمالی حدس زده شده‌اند، در اختیار گام دوم جریان‌شناسی قرار می‌گیرد. این فرضیات، طرح‌های اولیه و موضوع‌شناسی‌ها، مبنای مطالعات تفصیلی تحقیق قرار می‌گیرند و در آن مرحله به اثبات یا رد این طرح اولیه پرداخته می‌شود؛ بنابراین، جریان‌شناسی در مرحلهٔ شناخت توصیفی دارای دو مرحلهٔ عمده است: شناخت اجمالی و شناخت تفصیلی.

شناخت اجمالی را از منظری دیگر نیز می‌توان معرفی کرد؛ جریان‌شناس ـ ازآن‌رو که یک محقق است ـ می‌کوشد موضوعی را با روش علمی بشناسد؛ بنابراین، اولین قدم هر محقق آن است که موضوع موردمطالعهٔ خویش را شناسایی کند تا سپس بتواند با ابزارها و روش‌های علمی به سراغ آن برود و آن را واکافی و شناسایی کند. بر این اساس، در عمل دو حالت امکان‌پذیر است: یا جریان‌شناسْ اصل جریان را می‌شناسد و در آن شکی ندارد و می‌خواهد همان را شناسایی کند؛ بنابراین، مرحلهٔ شناخت اجمالی و موضوع‌شناسی برای او حاصل است. حالت دیگر آنکه گاهی جریان‌شناس می‌خواهد به معنای عام جریان‌شناسی کند، یعنی کل جریان‌های موجود را بشناسد و معرفی کند و نه فقط جریان خاصی را؛ در چنین وضعیتی جریان‌شناس نیاز دارد چهارچوب اولیه‌ای برای جریان‌ها استخراج کند و آن را به‌عنوان فرضیهٔ تحقیق خود قرار دهد و در آن برای تعداد و نوع جریان‌ها، حدس علمی بزند. سپس در مرحلهٔ بعد، هر کدام را به‌صورت خاص و مجزا مطالعه کند.

باید توجه داشت که شناخت اجمالی و تفصیلیْ تقدم و ترتب تام ندارند؛ یعنی چنین نیست که اول صددرصد شناخت اجمالی حاصل شود و سپس با فراغت از آن، شناخت تفصیلی آغاز شود. بلکه چنان‌که از توضیحات مشخص است، شناخت اجمالی تنها ارائه‌دهندهٔ طرح اولیه و نقشهٔ راه است. چه‌بسا در حین شناخت تفصیلی و عمیق جریان‌ها، مطالب جدیدی برای جریان‌شناس روشن می‌شود که باعث تغییر و تحول در طرح اولیه می‌شوند؛ چنان‌که معمولاً نیز چنین می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

برای دستیابی به طرح اولیه و فرضیه‌سازی در جریان‌شناسی می‌توان از راه‌های مختلفی استفاده کرد که در ادامه بیان می‌شوند.[1]

۲ـ۱ـ۱. بررسی از بنیان‌ها

بررسی از بنیان‌ها یا بررسی از بالا الگویی عمومی و قابل استفاده در تمامی انواع جریان‌شناسی است. در این مدل جریان‌شناس حرکت خود را از تاریخ فلسفه و تاریخ علم آغاز می‌کند و به شناخت مکاتب علمی‌ـفلسفی می‌پردازد. این تاریخ‌شناسی باید تا «زمان جریان» ادامه داشته باشد. بررسی از بنیان‌ها به‌عنوان یک الگوی فرضیه‌سازی اولیه در جریان‌شناسی، ریشه در قاعده‌ای در جامعه‌شناسی علم و معرفت دارد که مطابق آن، فکر و اندیشه در پیوستاری اجتماعی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند.

با توجه به این مبنا که تفکر در خلأ شکل نمی‌گیرد، هر فکری متأثر از تفکرات قبلی است؛ بنابراین، هر جریان در هر زمان، ریشه در مکاتب و تفکرات علمی‌ـفلسفی آن دوران دارد. پژوهشگر جریان‌شناسی با بررسی مکاتب موجود در تاریخ فلسفه و تاریخ علم می‌تواند حدس بزند که کدام یک از آن‌ها امتداد اجتماعی و جریانی پیدا کرده‌اند. از میان تفکرات موجود در تاریخ علم، برخی مرده‌اند و برخی زنده. مکتبی که امروز نیز طرفدار داشته باشد و در محافل علمی به آن اعتنا شود، احتمال و قابلیت جریان‌شدنش نیز بالاتر از تفکرات دیگر است؛ بنابراین، می‌توان براساس آن فرضیه‌سازی کرد و به طرح یا طرح‌های اولیه‌ای از جریان‌های اجتماعی دست یافت.

این روش به‌ویژه درمورد جریان‌شناسی فکری کاربرد بیشتری دارد. از دل جریان‌های تاریخ فلسفه، جریان‌های علمی شکل می‌گیرند و جریان‌های فکری و علمی هر دوران از جامعه، ریشه در جریان‌های فلسفی و فلسفهٔ علمی آن دوران دارد

۲ـ۱ـ۲. بررسی از روبناها

بررسی از روبناها (سیر از پایین و کف) یکی دیگر از الگوهای دستیابی به طرح اولیهٔ جریان‌شناسی و الگویی عمومی و قابل استفاده در تمامی انواع جریان‌شناسی است. در بررسی از بنیان‌ها محقق

۱. راهکارهای مطرح‌شده می‌توانند در کنار هم استفاده شوند. برای مثال فرق با شناخت نسبت‌به مکاتب فکری‌ـفلسفی و در کنار آن، انس و قرابت با میدان فکری، فرهنگی، سیاسی یا هر میدان پژوهشی دیگر، فرضیه‌هایی از جریان‌ها می‌زدند و سپس در شناخت تفصیلی و عمیق، به دنبال شواهدی برای اثبات آن می‌گردد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

به سـراغ سـردترین لایه‌های فکری تاریخ و جامعه، یعنی فلسـفه می‌رود و می‌کوشـد با پی‌جویی رگه‌هـای تفکـرات امـروز در تفکرات دیـروز، جریان‌های امـروز را حدس بزند. اما در بررسـی از روبناها، به‌جای رجوع به لایه‌های سرد، به گرم‌ترین لایه‌های اجتماع، یعنی تولیدات و محصولات و درواقع، آثار اجتماعی مراجعه می‌شود و تلاش می‌شود با دسته‌بندی و صورتبندی اثرات اجتماعی موجود، به جریان‌هایی رسید که آن‌ها را تولید کرده‌اند. بررسی از بنیان‌ها، فرضیه را از نظام مشترک معنایی جریان‌ها تولید می‌کند و بررسی از روبنا، از اثرگذاری‌ها.

در این نوع بررسی، محقق از آثار و فعالیت‌ها و آثار متحقق در جامعه، یعنی کتب، سخنرانی‌ها، دوره‌ها، دانشـگاه‌ها، فیلم‌ها، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و مجلات وغیره آغاز می‌کند و تلاش می‌کند با پیگیری منابع و منشأهای آن‌ها، به جریان‌هایی دست یابد که تولیدکنندهٔ این آثار بوده‌اند.

۲ـ۱ـ۳. تریبون‌ها و اعلام‌های رسمی

گاهی اوقات حزب، سازمان یا گروهی به‌صورت رسمی بیانیهٔ خود را ارائه می‌دهد و خود را به‌عنوان جریان مطرح می‌کند. این اعلام‌های رسمی، هرچند در جریان‌شناسی به‌عنوان گزاره‌ای یقینی تلقی نمی‌شوند و هیچ‌گاه جریان هویت غیررسمی خود را ازدست نمی‌دهند، اما می‌توانند نقطهٔ شروعی برای فرضیه‌سازی باشند.

۲ـ۱ـ۴. شناخت با ضد و رقیب

گاهی جریان‌شـناس حداقل یکی از جریان‌های موجود در جامعه را می‌شناسـد. در چنین مواقعی، می‌تواند متناسـب با این شـناخت، جریان‌های دیگر را نیز بشناسـد و با اسـتفاده از نشانه‌هایی، به طرح اولیهٔ کامل‌تری دسـت پیدا کند. یکی از این نشـانه‌های میان‌بر، بررسـی جریان ضد و رقیب اسـت. زمانی‌که جریانی شناخته شـود، از روی عکس‌العمل‌ها و نوع موضع‌گیری‌هایش می‌توان به جریان‌های رقیب هم پی برد و از این طریق جریان‌های مقابل و مجاور را شناسایی کرد.

۲ـ۱ـ۵. شناخت با خرد و کلان

یکی دیگر از راه‌های میان‌بر، بررسـی جریان‌های خرد و کلان از جریان شناسایی‌شـده اسـت. گاهـی جریانـی کلان، خرده‌جریان‌هایـی را در دل خویش جای می‌دهد. با شـناخت جریان کلان می‌توان به مجموعه‌ای از خرده‌جریان‌های احتمالی راه پیدا کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۲ـ۱ـ۶. ارتباط‌های استاد و شاگردی

یکی از راه‌های تربیت نیرو و کادرسازی جریان‌ها، به‌ویژه در جریان‌های فکری، ارتباط‌های استاد و شاگردی است. با بررسی امتدادهای خط استاد و شاگردی می‌توان به شبکه‌ای از نیروی انسانی دست یافت. این شبکه‌ها که عموماً هویتی غیررسمی دارند، به علت ارتباط‌های عمیق علمی و عاطفی و تأثیرگذاری و عمق بالای رابطه‌های استاد و شاگردی، بیش از هر شبکهٔ انسانی در معرض جریان‌شدن یا جریان‌سازی هستند.

۲ـ۱ـ۷. اشخاص شاخص

گاهی اسم شخصی به‌عنوان اسم جریان یا شخصیتی شاخص مطرح می‌شود. عموماً می‌توان ازطریق شاگردان، موافقان و مخالفان و تحرکات او به فرضیه‌سازی دست یافت؛ درواقع، در این شیوه، شروع مطالعه از تعدادی شخصیت است که راه را برای شناسایی جریان و جریان‌ها می‌گشاید.

۲ـ۱ـ۸. فهم عرفی و عمومی

عموماً در ادبیات افرادی که با مسائل موجود در جامعه و تحولات آن ناآشنا نیستند و با اتفاقات روزمرهٔ فکری، فرهنگی، سیاسی وغیرهٔ جامعه در ارتباط‌اند و با این زمینه‌ها انس دارند، اشخاص و گروه‌هایی با عنوان جریان یا جریان‌مانند تلقی می‌شوند. این فهم عرفی که با گفت‌وگو با افراد شناخته می‌شود، می‌تواند نقطهٔ شروعی برای شناخت جریان‌ها باشد.

۲ـ۱ـ۹. جریان‌شناسی‌های موجود

جریان ابتدابه‌ساکن پدید نمی‌آید. هویت و تحقق هر جریانی از جریان‌های قبلی است. گاهی شناسایی جریان‌ها از نقطهٔ صفر، اختراع دوبارهٔ چرخ است! چراکه آثار جریان‌شناسی موجود، خود می‌تواند یکی از بهترین منابع برای دستیابی به طرح اولیه و فرضیه‌سازی دربارهٔ جریان‌های تحقق‌یافته باشد.

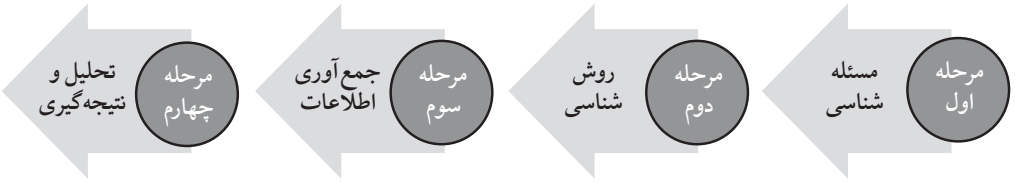
۲ـ۲. شناخت تفصیلی و عمیق

روش هر چیز، مجموعهٔ مرحله‌به‌مرحلهٔ انجام یک فعالیت است که سبب ایجاد اثری معین می‌شود. تولید علم و حل مسئلهٔ علمی نیز، براساس عملیاتی پژوهشی صورت می‌گیرد که روش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

تحقیق نام دارد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ص ۲۴؛ رپکو، ۱۳۹۶: ص ۳۳۶؛ بیرو، ۱۳۸۰: ص ۲۳۳؛ بلیکی، ۱۳۹۳: ص ۲۹؛ ایمان، ۱۳۹۴: ص ۱۴). روش تحقیق به‌صورت عام و بدون درنظرگرفتن رویکردی خاص در تحقیق، دارای مراحل زیر است:

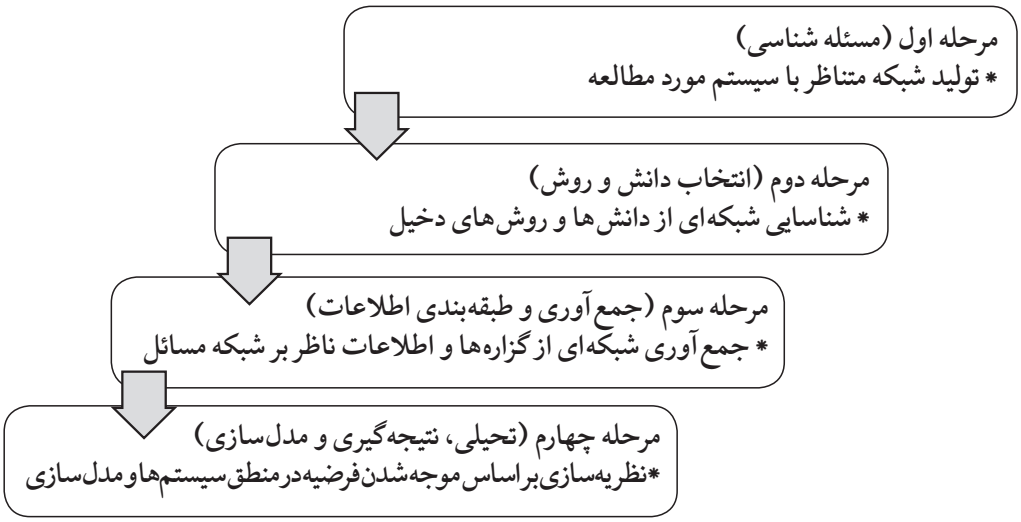


شکل۲. مراحل عام تحقیق

بعد از شناخت اجمالی جریان‌ها و دستیابی به طرح اولیه، نوبت به شناخت عمیق و دقیق جریان‌ها به‌مثابه سیستم‌های اجتماعی منسجم می‌رسد. جریان‌شناسی از روشی میان‌رشته‌ای بهره می‌برد. زیربنای تفاوت رویکرد میان‌رشته‌ای با رویکرد تخصصی در روش تحقیق، گام اول آن، یعنی مسئله‌شناسی است. در رویکرد تخصصی تنها یکی از ابعاد و لایه‌های شیء شناخته می‌شود؛ ازاین‌رو، مسئله تحقیقی تک‌گزاره‌ای است که روش واحد و ویژه‌ای دارد، اما در رویکرد میان‌رشته‌ای، موضوع به‌مثابه یک سیستم درنظر گرفته می‌شود که طبق تعریف، از مجموعه‌ای از اجزا تشکیل شده است که با هدف مشخص، دارای متغیرهای متنوع و روابط بازخوردی است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: صص ۳۴ـ۳۱؛ واسطی، ۱۳۹۴: ص ۴۱؛ حبیبی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۹؛ رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۷۱؛ رابینز، ۱۳۹۶: ص ۳۰؛ فقیه، ۱۳۹۳: صص ۳، ۱۱؛ متین، ۱۳۸۸: ص ۱۰۰؛ رپکو، ۱۳۹۶: ص ۲۵۶؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۵؛ متین، ۱۳۹۲: صص ۱۷۵ـ۱۷۴)؛ ازاین‌رو، در مسئله‌شناسی باید شبکهٔ مسائل سیستم کشف و تولید شوند (رپکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۲).

براساس همین گام اول است که در مراحل بعدی فرایند پژوهش، به‌جای یک روش خاص باید مجموعه‌ای از روش‌ها و دانش‌ها به‌میان آیند و به‌جای جمع‌آوری اطلاعات جزئی و محدود به یک یا چند مسئله، باید شبکه‌ای از اطلاعات مرتبط با شبکهٔ مسائل جمع‌آوری شوند. همچنین، به‌جای تحلیل اطلاعات محدود، باید شبکه‌ای از اطلاعات تحلیل شوند تا درنتیجه به‌جای تولید یک یا چند گزارهٔ علمی محدود، شبکه‌ای از گزاره‌های علمی تولید شوند که بتوانند کاشف، معرِّف و شناسانندهٔ سیستم (موضوع) باشند (کاظمی مقدم، ۱۳۹۵: ص ۶۶)؛ بنابراین، در رویکرد میان‌رشته‌ای، مراحل تحقیق به‌صورت زیر ارتقا می‌یابند:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]



شکل۳. فرآیند مطالعه میان‌رشته‌ای بر اساس مراحل عام تحقیق

بـا توجه به تفاوت موضوع، تمامی ابعاد نیز تغییر می‌کننـد، اما مهم‌ترین تغییر در مرحلهٔ اول و مرحلهٔ آخر است. در مرحلهٔ اول به‌جای تک‌متغیر، نیازمند شبکهٔ مسائل هستیم و در مرحلهٔ چهارم (تحلیل و نتیجه‌گیری) به‌جای نتیجه‌گیری تک‌گزاره به نظریه‌پردازی و ارائهٔ مدل منسجم می‌رسیم.

جدول۱. مقایسه تطبیقی مراحل تحقیق در مطالعه تخصصی و میان‌رشته‌ای

	تخصصی	میان‌رشته‌ای
مرحلهٔ اول: مسئله‌شناسی	تک‌مسئله	شبکهٔ مسائل
مرحلهٔ دوم: انتخاب روش/ دانش	تک‌روش/ تک‌دانش	مجموعه‌ای از دانش‌ها و روش‌ها
مرحلهٔ سوم: جمع‌آوری اطلاعات	اطلاعات مرتبط با یک متغیر	شبکه‌ای از اطلاعات
مرحلهٔ چهارم: تحلیل و نتیجه‌گیری	نتیجه‌گیری تک‌گزاره	نظریه‌سازی و ارائهٔ مدل

۲ـ۲ـ۱. شبکهٔ مسائل جریان‌شناسی

مسـئله‌پردازی دربارهٔ یک موضوع براساس متغیرهای موضوع انجام می‌شود؛ بنابراین، مسئله تابعی از متغیر اسـت و درواقع، مسـئله (مثل «الف ب است؟») به لحاظ ساختاری، از موضوع (الف) و محمول (ب) و نسبت پرسشی تشکیل می‌شود. ازاین‌رو، در مسئلهٔ پیرامون یک موضوع، متغیرهای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

موضـوع در جایگاه موضـوع و محمول قرار می‌گیرند و فرایند سـؤال‌پردازی اتفـاق می‌افتد. بر این اسـاس، شبکهٔ مسائل مجموعهٔ منسجمی از تعدادی مسئله اسـت. شبکهٔ مسائل مجموعهٔ منسجم و گسـترده‌ای از متغیرهاسـت که با ابزارهای سـؤال‌پردازی به شبکهٔ گسـترده‌ای از پرسش‌ها تبدیل شـده‌اند و زمینه‌سـاز تحقیق میان‌رشـته‌ای با رویکرد سیسـتمی برای مطالعهٔ سیسـتم‌ها (موضوع) هستند (ر.ک.: کاظمی مقدم، ۱۳۹۵: ص ۴۱؛ ریکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۱).

بـدون توجه به شـبکهٔ مسـائل، روند تحقیق میان‌رشـته‌ای و سیسـتمی با مشـکلات عدیده‌ای درگیر خواهد شـد. بدون شـبکهٔ مسائل، تصویر کاملی از سنخ مسـائل به‌دست نمی‌آید و درنتیجه، انتخاب روش‌های تحقیق مناسـب و لازم و دانش‌های دخیل به‌درسـتی انجام نخواهد شـد. بدون شـبکهٔ مسـائل، سیستم به‌طور جامع شناخته نمی‌شود و بخشـی از ابعاد و جنبه‌های موضوع نادیده گرفتـه می‌شـود و غرض اصلی از مطالعهٔ میان‌رشـته‌ای، که شـناخت کامل و جامـع موضوع بود، دست‌نایافتنی باقی می‌ماند.

عوامـل تأثیرگـذار و تأثیرپذیـر در سیسـتم که باعث تغییـر در کارکردهای آن می‌شـود را متغیر می‌نامیـم؛ به‌عبارت دیگر، به آنچه قابلیت تغییردادن یـا تغییرپذیری دارد و با تغییر آن، در وضعیت موضوع (سیسـتم) موردنظر تغییراتی به‌وجود خواهد آمد متغیر می‌گویند؛ بنابراین، تغییر متغیرهای شـیء آثار و ظهورات آن را تغییر می‌دهد. هر متغیر مسـئله‌ای از شـبکهٔ مسـائل مربوط به موضوع را می‌سـازد. در دانش‌هـای تخصصـی، از مجموعه متغیرهـای مرتبط با موضوع، تنهـا متغیری که آن دانش تخصصی مکفل بررسـی آن اسـت، گرفته می‌شود و به مسـئله تبدیل می‌شود (فوردمن، ۱۳۸۷: ص ۲۴۸؛ ر.ک.: بـرازو، ۱۳۸۷: صـص ۷۷ـ۷۵). امـا در مطالعـهٔ میان‌رشـته‌ای که موضوع آن سیستم‌هاسـت، باید در مرحلهٔ مسئله‌شناسی، شـبکه‌ای از مجموعهٔ مسائل تولید کنیم؛ شبکهٔ مسائلی که ناظر بر هویت شبکه‌ای سیستم است (ریکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۲).

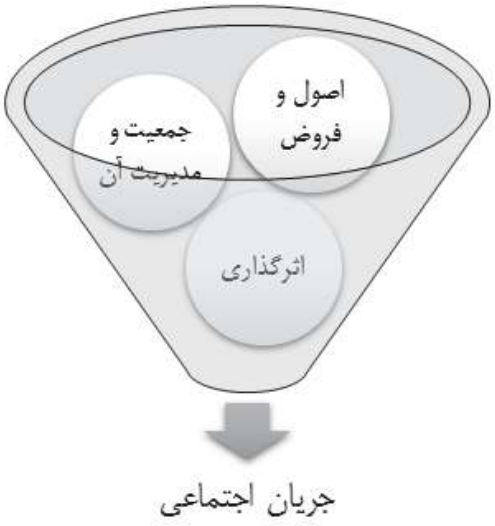
با اسـتفاده از متغیرشناسـی می‌توان شـبکهٔ متغیرهای موضوع و سپس شـبکهٔ مسائل موضوع را طراحی کرد. با توجه به تعریف جریان، می‌توان شـبکهٔ متغیرها و شـبکهٔ مسائل آن را استخراج کرد. در تعریف جریان گفته شـد که «جریانْ پدیدهٔ اجتماعیِ پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (سیستمی) غیررسـمی اسـت که متشـکل از مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی (نظام مشترک معنایی) است که جمعیتی نظام‌یافته (مدیریت‌شـده) براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند». مطابق این تعریف، هویت اجتماعی، نظام مشـترک معنایی، سـیلان و پویایی (حرکت)، جمعیـت و افراد، مدیریت و رهبری، اثرگذاری، عدم رسـمیت و ناآگاهی و هویت شبکه‌ای به‌عنوان ارکان و ابعاد جریان معرفی شـدند. براسـاس آنچه گذشت، هویت شـبکه‌ای، به‌منزلهٔ جنس بعید جریان است و روح حاکم بر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

ارکان آن را معرفی می‌کند و اجتماعی‌بودن، جنس قریب آن است؛ بنابراین، می‌توان جریان را، به‌عنوان سیستم اجتماعی باز ارگانیک، این‌گونه تعریف کرد: «جریان سیستم باز اجتماعی پویا و متحرکِ غیررسمیِ ارگانیکِ هدفمند یا آرمانمند است که از مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی تشکیل می‌شود که جمعیتی نظام‌یافته براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند» (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷).

در این میان، «هویت شبکه‌ای» به روح حاکم و ساختار جریان اشاره دارد و منطق مواجهه و تحلیل آن را مشخص می‌کند و «غیررسمی»بودن، به نوع فعالیت جریان اشاره دارد. همچنین، «هویت اجتماعی»، «سیلان و پویایی» و «مدیریت و رهبری» عناوینی ثانوی و تأکیدی هستند؛ بنابراین، در روش‌شناسی بیشتر از همه بر سه رکن «نظام مشترک معنایی»، «جمعیت و افراد» و «اثرگذاری» ناظر هستیم و در این میان نیز «نظام مشترک معنایی» و «اثرگذاری» از مابقی پراهمیت‌تر هستند.

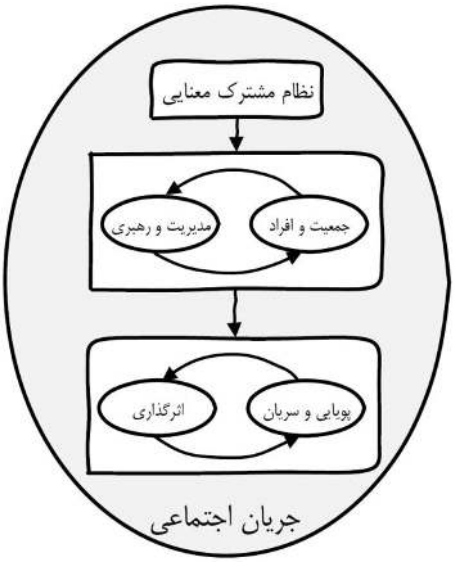


شکل ۴. مؤلفه‌های اصلی هویت جریان اجتماعی

بنابراین، جریان سیستمی منسجم و سازمان‌یافته اما غیررسمی (و عموماً ناآگاهانه) از ارکانی است که از اصول و فروض مشترک میان افراد آغاز می‌شود و به جمعیت و افراد هویت و معنایی جدید می‌بخشد. متناسب با این اصول و فروض مدیریتی بر افراد شکل می‌گیرد که افراد را متناسب با محیط به سمت اثرگذاری هدایت می‌کند و این ارتباط چندسویه ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که جریان بمیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]



شکل ۵. مدل ترابط فرآیندی اجزای هویت‌بخش جریان‌اجتماعی

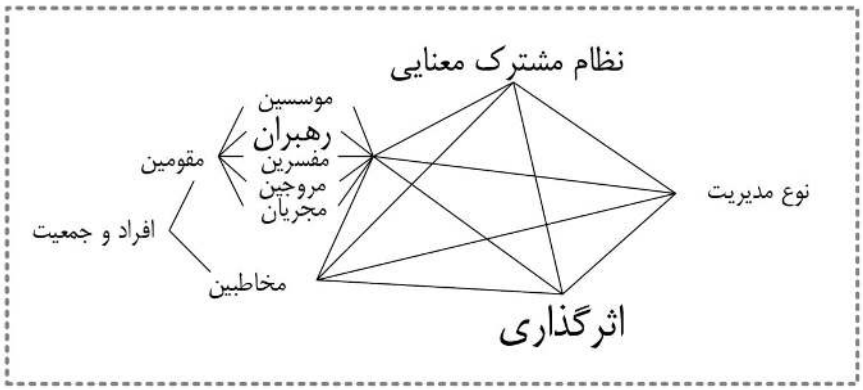
با توجه به توضیحات ارائه‌شـده، جریان به‌مثابه سیستم یک «کل» است که از «اجزای مرتبط و منسـجم» تشکیل شده اسـت. هویت سیستمی جریان مشخص می‌کند که هیچ عاملی را نمی‌توان جدا از عوامل دیگر شـناخت. جریان از آن حیث که هویتی سیسـتمی و شـبکه‌ای دارد، متشکل از عناصری اسـت که هـر عنصر بر روی دیگر عناصـر تأثیر می‌گذارد و متقابـلاً از عناصر دیگر تأثیر می‌پذیرد (اسکات، ۱۳۹۳: ص۴۳)؛ ازاین‌رو، فهم جریان متوقف بر موارد زیر است:

۱. فهم تک‌تک اجزا و ارکان آن نظیر نظام مشترک معنایی جریان، جمعیت جریان و اثرگذاری جریان؛

۲. فهم ارتباط دوسویه میان اجزا و ارکان جریان.

از آنجـا کـه در این میـان، نظام مشـترک معنایی مهم‌ترین رکن اسـت و به‌منزلهٔ قلـب تپندهٔ جریان محسـوب می‌شـود، عمدهٔ دغدغهٔ شـناخت آن و ارتباط‌سـنجی آن با دیگر ارکان است. همچنین، بدیهی اسـت که اگر در شـناخت جریان از جزئی محروم باشیم، در نتیجه‌گیری نیز به خطا خواهیم رفت. برای نمونه اگر حتی جریانی اصول و فروض قوی و دقیقی داشـته باشد، بدون توجه به قدرت جمعیت و افراد آن نمی‌توان قدرت اثرگذاری آن را پیش‌بینی کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]



روابط میان ارکان یک جریان اجتماعی

نمودار۲ . روابط متقابل میان ارکان یک جریان اجتماعی

بر این اساس، اصلی‌ترین مسائل شبکهٔ مسائل یک جریان اجتماعی به‌طور عام، پرسش‌های زیر است.

ـ ازحیث زمینه‌ها و تبار و هویت شبکه‌ای: چه عواملی باعث تشکیل این جریان شد؟ عوامل جغرافیایی، زمانی و مکانی چه تأثیری داشتند؟ ورودی‌های جریان چیست؟ جریان در چه محیطی شکل گرفته است؟ خروجی‌های اساسی جریان کدام‌اند؟ راهبرد جریان برای مدیریت محیط چیست؟ این جریان ذیل چه جریان‌هایی قرار دارد؟ درون این جریان، چه جریان‌های خردی وجود دارند؟

ـ ازحیث نظام معنایی و اصول مشترک: مهم‌ترین کار جریان‌شناسی، شناخت این اصول است. چه اصول معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی دارد؟ چه رویکرد و روش فکری را پذیرفته است؟ چه برنامه یا برنامه‌هایی دارد؟ آیا خود جریان اصولی را معرفی کرده است؟ اگر معرفی کرده، آیا مطابق اصول واقعی آن‌هاست؟ چرا این اصول موردپذیرش آن‌ها قرار گرفته است؟ چه عواملی در این زمینه دخیل بوده‌اند و باعث پذیرش چنین نظام معنایی شده‌اند؟ نظام معنایی جریان انسجام درونی دارد یا خیر؟ آبشخور نظام معنایی جریان، کدام مکتب فلسفی است؟ هدف و آرمان جریان چیست؟

ـ ازحیث پویایی و سیلان و حرکت: چه ورود و خروج‌هایی دارد؟ سرعت عمل آن چقدر است؟ سیر تطور و تحولات او در گذر زمان چه بوده است؟ چه انشعاباتی پیدا کرده است؟ از کجا منشعب شده است؟ در چه دوره‌ای شکل گرفته است؟ متغیرهای حرکت جریان کدام‌اند؟ حرکت جریان تندشونده است یا کندشونده؟ چه چیزهایی حرکت جریان را تشدید یا کند می‌کند؟ این عوامل تک‌جزئی‌اند یا چندجزئی؟ با واسطه یا بی‌واسطه؟ انحصاری یا قابل‌جایگزین؟

ـ ازحیث جمعیت و افراد: گروه مقومات او کدام‌اند؟ چه افرادی مؤسس‌اند؟ چه افرادی مروج و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

چه افرادی مفسـر و چه افرادی مدیر و چه افرادی مجری‌اند؟ افراد شـاخص هر کدام چیسـت؟ چه خصوصیات رفتاری و منشـی دارند؟ انگیزه‌های مؤسـس چه بوده است؟ چرا عواملی باعث شـده است که مؤسس به تأسیس این جریان دست بزند؟ نیروی انسانی جریان، چرا برای جریان فعالیت و کار می‌کنند؟ آیا مُقَومان این جریان اختیاری(در هر دسـته)، آگاهانه هسـتند یا خیر؟ مخاطبان جریان چه افرادی هستند؟ چرا این مخاطبان انتخاب شده‌اند؟ جریان با چه مؤسسات یا احزابی در ارتباط است؟ آیا جریان عضوپذیر است یا نیروی انسانی بسته دارد؟ اگر عضوپذیر اسـت، فرایند جریان‌پذیری افراد چگونه اسـت؟ میزان وفاداری و خصوصیات جمعیت‌شناختی نیروهـا چطور اسـت؟ افراد چقدار اصول و فروض جریـان را در خود درونی کرده‌اند و منطبق بر آن حرکت می‌کنند؟ عوامل تعدیل‌کنندهٔ انطباق رفتار آن‌ها بر نظام مشـترک معنایی کدام اسـت؟ چـه عواملی ماندگاری و افزایش جمعیت را تشـدید یا کند می‌کند؟ ایـن عوامل تک‌جزئی‌اند یا چندجزئی؟ باواسطه‌اند یا بی‌واسطه؟ انحصاری‌اند یا قابل‌جایگزین؟

ـ ازحیث مدیریت و رهبری: رهبری جریان توسط چه افرادی صورت گرفته است؟ آیا آگاهانه است یا ناآگاهانه؟ موفقیت هر کدام چقدر بوده است؟ چه عواملی مدیریت جریان را تشدید یا کند می‌کند؟ این عوامل تک‌جزئی‌اند یا چندجزئی؟ باواسطه‌اند یا بی‌واسطه؟ انحصاری‌اند یا قابل‌جایگزین؟

ـ ازحیـث اثر: در جنبهٔ عملی چه تأثیری گذاشـته‌اند؟ مهم‌ترین اثرهای اجتماعی، سیاسـی، فکری، هنری وغیرهٔ آن‌ها چیست؟ از چه جریان‌هایی اثر می‌پذیرند؟ جریان‌های رقیب آن‌ها کدام‌اند؟ چه برنامه‌هایی در سـر دارند؟ حرکات بعدی آن‌ها چه می‌تواند باشـد؟ از چه تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی برای مدیریت و اجرا و تبلیغ وغیره استفاده می‌کنند؟ جریان چه پتانسیل‌ها و قابلیت‌هایی دارد؟ قبلاً، الآن و آینده؟ چه نسـبتی میان این اثرها با جمعیت جریان وجود دارد؟ چه نسـبتی میان این اثرها با نظام معنایی مشترک جریان وجود دارد؟ چه عواملی اثرگذاری جریان را تشدید یا کند می‌کند؟ این عوامل تک‌جزئی‌اند یا چندجزئی؟ باواسطه‌اند یا بی‌واسطه؟ انحصاری یا قابل‌جایگزین؟

ـ ازحیث غیررسـمیت: میزان رسمیت جریان چقدر است؟ چقدر اسـناد مکتوب ارائه داده است؟ این اسـناد مکتوب، چقدر با نظام مشـترک معنایی واقعی جریان انطباق دارد؟ جریان چقدر میل به ناآگاهی نیروها دارد؟

۲ـ۲ـ۲. دانش‌ها و روش‌ها

در روش میان‌رشـته‌ای جریان‌شناسـی، تولید شبکهٔ مسـائل جریان قدم اول شناخت عمیق است و به‌منزلهٔ موضوع و مسئله‌شناسـی تحقیق عمل می‌کنـد. بعد از این مرحله نوبت به احصا و انتخاب

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

منابع، دانش و روش‌هاست. از آنجا که الگوی مطلوب مطالعهٔ جریان‌های اجتماعی (جریان‌شناسی) روشی تلفیقی و میان‌رشته‌ای است، از منابع، علوم و روش‌های مختلفی بهره می‌گیرد (ریکو، ۱۳۹۶: صص ۱۹۴ـ۱۹۳، ۱۷۸؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۶، ۳۸، ۷۷، ۱۰۰ـ۹۹، ۵۲۸). هر کدام از این علوم، منابع و روش‌ها جایگاه مشخصی در فرایند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی بر عهده دارند. در این مرحله، الگوی مطالعهٔ میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی، شبکه‌ای از دانش‌ها و روش‌های دخیل و مرتبط با مسائل و متغیرهای جریان را معرفی و توصیه می‌کند. به‌طور کلی می‌توان روش‌ها، علوم و منابع معرفتی موردنیاز در جریان‌شناسی را در سه بسته دسته‌بندی کرد: «بستهٔ الگویی»، «بستهٔ محتوایی» و «بستهٔ روشی».

«بستهٔ الگویی» به مجموعه دانش‌هایی اطلاق می‌شود که جریان‌شناسی مصرف‌کنندهٔ آن‌هاست و محتوای آن‌ها در روند جریان‌شناسی، نقش الگو و قالب‌های کلی را ایفا می‌کنند و کبراهای حاکم بر ابعاد جریان را در اختیار جریان‌شناس می‌گذارند. جریان‌شناس با دانستن این کبراها، هنگامی که سراغ منابع (بستهٔ محتوایی) می‌رود، صغری‌های آنان را جست‌وجو می‌کند؛ به عبارتی، دانش‌های بستهٔ الگویی، روابط برخی متغیرهای جریان را به‌صورت عام بررسی می‌کنند.

اصلی‌ترین دانش‌های بستهٔ الگویی عبارت‌اند از: «جامعه‌شناسی معرفت»، «روان‌شناسی معرفت»، «مدیریت و رفتار سازمانی» و «نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه». «جامعه‌شناسی معرفت» در فهم ارتباطات میان نظام مشترک معنایی جریان و عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگیِ شکل‌دهنده و مؤثر بر آن تأثیرگذار است (خسروپناه، ۱۳۹۲؛ مولکی، ۱۳۸۹: صص ۱۳ـ۱۲؛ گلوور و همکاران، ۱۳۸۸: صص ۱۳ـ۱۲). «روان‌شناسی معرفت» الگوهای کلان ارتباط میان نظام مشترک معنایی جریان و متغیرهای روان‌شناختی را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۲۲). «علم مدیریت» و دانش‌های زیرمجموعه‌اش برخی از قواعد کلی حاکم میان برخی متغیرهای جریان را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهند. سبک‌های رهبری، شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط، عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریان که منجربه اثرگذاری می‌شوند، ازجمله اصلی‌ترین مباحثی هستند که الگوهای آن‌ها در دانش مدیریت بحث و بررسی می‌شود (الوانی، ۱۳۸۸: صص ۱۵۵ـ۱۴۴؛ رضائیان، ۱۳۸۴: صص ۲۳۰ـ۲۲۴؛ همو، ۱۳۹۵: صص ۴۸۲ـ۴۶۹؛ همو، ۱۳۸۷: صص ۴۰۵ـ۳۸۰؛ رابینز، ۱۳۹۶: صص ۴۲۹ـ۴۶۰،۴۱۸ـ۴۳۸). با کمک «نظریه‌های ارتباطات و تبلیغات» نیز می‌توان نظام ترویج و نوع فعالیت مروجان و مبلغان جریان‌ها را شناخت و شیوهٔ تبلیغاتی آنان را درک کرد. همچنین، متناسب با هر نظام تبلیغی، قدرت اثرگذاری جریان را سنجید و پیش‌بینی کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

بستهٔ محتوایی منابع شناخت جریان را معرفی می‌کند؛ چراکه پاسخ شبکهٔ مسائل جریان‌شناسی را باید در مجموعه‌ای از دانش‌ها جست‌وجو کرد. محتوای بستهٔ جریان‌شناسی عبارت است از: «تاریخ»، «فلسفه و تاریخ اندیشه»، «نظریات جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست» و «جامعه، عرف و مردم». جریان‌شناسی، به یک‌اعتبار، مطالعه‌ای یکپارچه تاریخی است. اطلاعاتی که جریان‌شناس برای جریان‌شناسی جمع‌آوری می‌کند از سنخ گزارش‌های تاریخی است. شناخت افراد مرتبط با جریان، جغرافیای جریان و اثرات جریان، همگی از عناصر مهم جریان هستند که ازطریق منابع تاریخی قابل شناسایی‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: صص ۳۰، ۱۱۹). همچنین، پیداکردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دستیابی به نگاه یکپارچه از پدیده‌های زمان‌دار و درنتیجه، تقارب و انس با موضوع جریان نتایجی است که از انس با «تاریخ» نصیب جریان‌شناس می‌شود.

«تاریخ فلسفه و اندیشه» ریشهٔ جریان‌های فکری امروز را معرفی می‌کند. جریان‌شناس برای فهم عمیق اصول و فروض جریان‌ها، به‌ویژه جریان‌های فکری، نیازمند مراجعه به (تاریخ) فلسفه و اندیشه است؛ علاوه‌براین، موجب ایجاد ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری و ایجاد ظرفیت معرفتی برای شناخت اجمالی جریان‌ها می‌شود.

جریان‌های اجتماعی در دامنهٔ نظریات هم‌عرض خود شکل می‌گیرند و حیات می‌یابند؛ بنابراین، برای شناخت اصول جریان‌ها نیازمند رجوع به این منابع «نظریات جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست» هستیم. علاوه‌براین، شناخت جامعه نوعی تقارب به هویت جریان اجتماعی را حاصل می‌آورد. جریان‌شناس با آشنایی اجمالی با اندیشهٔ جامعه‌شناسی، از نگاه بسیط به جامعه رهایی می‌یابد و مزهٔ پیچیدگی جامعه را درک می‌کند. دربارهٔ نقش عرف نیز می‌توان گفت «عرف» خود منبعی اصلی و اساسی برای مطالعهٔ اثرهای جریان‌های روز جامعه محسوب می‌شود.

استخراج داده‌های موردنیاز از بستهٔ محتوایی و فراوری و ارزیابی آن‌ها خود نیازمند روش‌هایی است که در «بستهٔ روشی» جریان‌شناسی قرار می‌گیرند. این روش‌ها عبارت‌اند از: «منطق و تفکر نقدی»، «روش‌های جمع‌آوری داده»، «روش تاریخی»، «روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» و «روش مطالعات تطبیقی». «منطق و تفکر نقدی» به محقق شخصیت منطقی می‌دهد؛ علاوه‌براین، تفکر نقدی لازمهٔ درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن محسوب می‌شود (خواص، ۱۳۹۳: صص ۴۶ـ۴۵؛ ملکیان، ۱۳۷۳: صص ۳۳ـ۲۲).

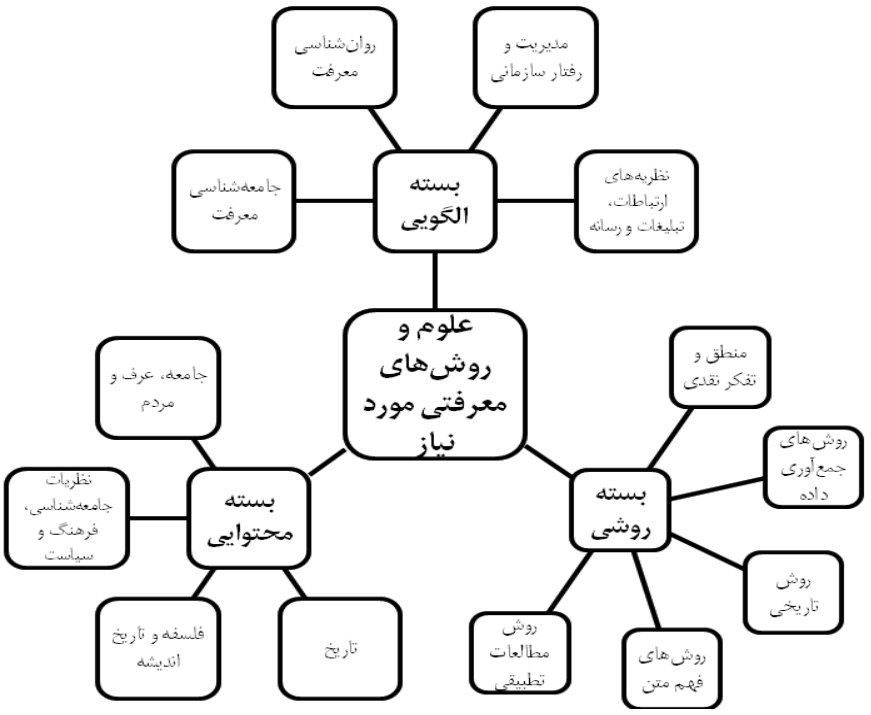
جریان‌شناسی، ازآن‌رو که روشی میان‌رشته‌ای می‌طلبد و از روش‌های متکثری در تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند، به اطلاعات ذاتاً متفاوتی نیازمند است که منابع مختلفی دارند؛ ازاین‌رو، اهمیت «روش‌های گردآوری داده‌ها» در جریان‌شناسی دوچندان است. همچنین، چنان‌که در شناخت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

تمامـی ابعـاد و عناصر تشـکیل‌دهندۀ جریان نیازمند منابـع تاریخی هسـتیم، در تمامی این موارد ضرورتـاً نیاز به «روش پژوهش در تاریخ» نیز وجـود دارد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ص ۷۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۴۲).

«روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» کمک می‌کند بعد از جمع‌آوری داده‌های خام دربارۀ اصول و فروض جریان (نظام مشترک معنایی) آن‌ها را پردازش کرد تا به فهم جامع و منضبطی از آن دست یافت (محمدپور، ۱۳۹۲ب: صص ۶۱ـ۶۰). مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌ها که در فهم نظام مشـترک معنایی جریان مفیدند، عبارت‌اند از: ۱. روش‌های تفسیر متن (اصول فقهی) که عموماً رویکردی خرد و گـزاره‌ای دارنـد (واعظی، ۱۳۸۹: صـص ۲۸ـ۲۷؛ اعرافی، ۱۳۹۵: صـص ۲۳ـ۲۲، ۳۸؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۱۱ـ۱۰، ۳۰)؛ ۲. روش تحلیل گفتمان که رابطۀ نظام فکری را با قدرت سنجیده و در این چهارچوب فهم می‌کند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۲۰ـ۲۱۹؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵)؛ ۳. نظریۀ زمینه‌ای که رویکردی نظام‌مند به متون دارد و می‌کوشد از جزئیات، پیکره‌ای دستگاه‌واره استخراج کند (ایمان، ۱۳۹۳: صص ۷۰ـ۶۹؛ محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۱۶ـ۳۱۴).

با توجه به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی، شناخت عمیق و تفصیلی بسیاری از جریان‌ها در گرو نسبت آن‌ها با یکدیگر است؛ بنابراین، «روش مطالعات تطبیقی» در جریان‌شناسی جایگاه و اهمیت می‌یابد.



شکل ۶. علوم و روش‌های معرفتی دخیل در جریان‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

از منظر روش‌شـناختی، به‌طور خلاصه می‌توان گفت جریان‌شـناس با تسـلط بر علوم «بسـتهٔ الگویی» و اشـراف بر ابزارهای «بستهٔ روشی» به سـراغ منابع «بستهٔ محتوایی» می‌رود و گزاره‌های معرفتی موردنیاز جریان‌شناسـی را اسـتخراج می‌کند. این منابع معرفتی، روش‌ها، علوم و جایگاه، اهمیت و نوع تأثیر آن‌ها در روش میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول۲. دانش‌ها و روش‌های دخیل در جریان‌شناسی و جایگاه آن‌ها

بسته	دانش / روش	جایگاه و اهمیت و نوع تأثیر در روش جریان‌شناسی
بستهٔ الگویی	جامعه‌شناسی معرفت	✓ ارتباطـات میان نظام مشـترک معنایی جریـان و عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی شکل‌دهنده و مؤثر بر آن
	روان‌شناسی معرفت	✓ ارتباط میان نظام مشترک معنایی جریان و متغیرهای روان‌شناختی
	مدیریت و رفتار سازمانی	✓ سبک‌های رهبری ✓ شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط ✓ عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریان که منجربه اثرگذاری می‌شوند
	نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه	✓ شناسـایی نظام ترویج و نوع فعالیت مروجان و مبلغان جریان‌ها و شیوهٔ تبلیغاتی آنان ✓ قدرت اثرگذاری
بستهٔ محتوایی	تاریخ	✓ شـناخت افراد مرتبط با جریـان، جغرافیای جریان و اثرهای جریان مانند گزارش از انسـان‌ها (جمعیت جریان و نیروی انسـانی)، گزارش اتفاقات و تأثیرها (اثرگذاری و پویایی)، گزارش از نظرها، گفت‌وگوها، نامه‌هـا، سـخنرانی‌ها، کتاب‌هـا و تفکـرات (اصول و فـروض و نظام معنایی مشترک) ✓ پیداکردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دستیابی به نگاه یکپارچه به پدیده‌های زمان‌دار
	فلسفه و تاریخ اندیشه	✓ فهم عمیق اصول و فروض جریان‌ها ✓ ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری ✓ ایجاد ظرفیت برای مرحلهٔ شناخت اجمالی
	نظریات جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست	✓ شناخت اصول جریان‌های سیاسی و فرهنگی ✓ رهایی از نگاه بسـیط به جامعه و چشـیدن مزهٔ پیچیدگی آن (قرابت به موضوع)
	جامعه، عرف و مردم	✓ منبعی اصلی و اساسی برای مطالعهٔ اثرهای جریان‌های روز جامعه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

بستهٔ روشی	منطق و تفکر نقدی	✓ شخصیت منطقی محقق ✓ درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن
	روش‌های جمع‌آوری داده	✓ جمع‌آوری اطلاعات ذاتاً متفاوتی که منابع مختلفی دارند براساس میان‌رشتگی‌بودن روش
	روش تاریخی	✓ نیازمندی منابع تاریخی به روش پژوهش در تاریخ
	روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن	✓ فهم جامع و منضبطی از داده‌های خام دربارهٔ نظام مشترک معنایی
	روش مطالعات تطبیقی	✓ شناخت عمیق و تفصیلی جریان در ارتباط با جریان‌های رقیب با توجه به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی

۲ـ۲ـ۳. شناخت ابعاد جریانی و جمع‌آوری اطلاعات

در گام سوم روش میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی، با رجوع به منابع و استفاده از ابزارها، با بهره‌گیری از اطلاعات مرتبط، صادق، کافی و کامل، ابعاد جریان شناسایی می‌شود و به پرسش‌های شبکهٔ مسائل جریان پاسخ داده می‌شود. در میان ارکان جریان، در روش‌شناسی بیشتر از همه بر سه رکن «نظام مشترک معنایی»، «جمعیت و افراد» و «اثرگذاری» ناظر هستیم و در این میان نیز «نظام مشترک معنایی» و «اثرگذاری» از مابقی پراهمیت‌تر هستند. از آنجا که در این میان، نظام مشترک معنایی مهم‌ترین رکن محسوب می‌شود و به‌منزلهٔ قلب تپندهٔ جریان است، عمدهٔ دغدغهٔ جریان‌شناسی، شناخت آن و ارتباط‌سنجی آن با دیگر ارکان است. همچنین، در میان نظام مشترک معنایی، اهداف و آرمان‌ها و تصویر نقطهٔ مطلوب و توصیه‌شدهٔ جریان، به جهت تأثیر و کارکردی که در ارزشیابی درونی و پیش‌بینی جریان دارد، اهمیتی مضاعف می‌یابد.

آیا می‌توان نقطهٔ آغازی برای شناخت ابعاد جریان معین کرد؟ برای مثال توصیه کنیم شروع مطالعه در روش‌شناسی همیشه از اصول و فروض یا از اثرات و یا از افراد باشد. به‌نظر می‌رسد نمی‌توان قاعده‌ای کلی صادر کرد؛ اصول و فروض جریان، هرچند رکن اصلی جریان است، بدین معنا نیست که در شناخت جریان نیز همیشه باید از این نقطه آغاز کرد. چراکه در حقیقت، جریانْ داشتن فهمی سیستمی از مجموعهٔ افراد، معارف و اثرهاست؛ بنابراین، نقطهٔ شروع می‌تواند نظام مشترک معنایی باشد و سپس بررسی شود که چه افرادی آن را پذیرفته‌اند و چه اثراتی به‌دنبال داشته است. همچنین، سرآغاز مطالعه می‌تواند مطالعهٔ افرادی نظیر مؤسس یا متفکر جریان باشد و ازطریق شناخت فرد، شناخت اصول و فروض جریان حاصل آید و یا مطالعه از اثرات و فعالیت‌ها آغاز شود و به جمعیت و اصول فکری ختم شود. هر کدام از این نقاط می‌توانند مفید باشند. تنها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

می‌توان گفت که جریان‌شـناس عموماً مطالعهٔ خود را از نقاط روشـن آغاز می‌کند و به سمت ابعاد تاریک حرکت می‌کند.

۲ـ۲ـ۳ـ۱. نظام مشترک معنایی

چنان‌که دانسـتیم، یکی از اجزای جریان، بلکه اصلی‌ترین رکن آن، اصول و فروض (نظام مشـترک معنایی) اسـت؛ ازطرف دیگر، از نتایج هویت سیسـتمی جریان، توجه به خرده‌سیسـتم‌های درون جریان است (رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۷۰؛ رابینز، ۱۳۹۶: ص ۳۱). در میان دیگر اجزای جریان، دو بُعد بیشـتر از بقیه در معرض خرده‌سیستم بودن قرار دارند: ۱. اصول و فروض جریان و ۲. جمعیت و افراد.

به‌عبارتی، جریان یک نظام است، اما نظام‌های دیگری نیز می‌توانند درون این نظام وجود داشته باشند. اصول و فروض جریان، اگر متشکل از مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی باشند که به‌صورت لایه‌های اصل و فرع طبقه‌بندی شـوند و تعریف شـبکه (سیسـتم) بر آن صادق باشد، نظام مشترک معنایی محسوب می‌شود که می‌توان به آن «نظام فکری» گفت.

هرچنـد خرده‌جریان‌ها بی‌نیاز از نظام فکری‌اند، دارابودن نظام فکری قدرتمند برای جریان‌های فکری و فرهنگی اثرگذار و پیشرو، اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، یکی از مراحل الگوی جریان‌شناسی در جریان‌شناسـی فکری، شـناخت نظام فکری جریان است. از آنجا که خرده‌سیستم‌ها خود نوعی سیستم‌اند، شناختشان نیز با الگویی سیستمی امکان‌پذیر است.

در بررسی مکتب‌ها، توجه به مواجههٔ نظام‌مند در مطالعه و تحلیل تفکرات و نظریه‌ها و درواقع، فهـم افکار به‌مثابه نظـام فکری اهمیت بالایی دارد که ره‌آورد رویکرد سیسـتمی به آن اسـت. درک نظام‌مند از میان گزاره‌های پراکنده، شبکه‌ای از مفاهیم و گزاره‌ها را ارائه می‌دهد که بین آن‌ها روابط اصل و فرعی برقرار اسـت و هر کدام وزن مشـخصی را در چهارچوب‌دهی کل نظام دارند (حبیبی، ۱۳۸۶: صص ۲۹۴ـ۲۹۳). نتیجهٔ مواجههٔ نظام‌مند، علاوه‌بر فهم سـریع‌تر و عمیق‌تر، کارآمدی آن در پیش‌بینی و استنطاق آن در برابر پرسش‌ها و مسائل جدید است.

به‌طور کلی، نظام‌های فکری دارای سه نوع گزاره‌اند: ۱. اصول و مبانی بینشی و فکری که شامل مبادی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه می‌شوند؛ ۲. اصول و مبانی ارزش‌شناسانه و گرایشی؛ ۳. اصول و مبانی کنشی، رفتاری، آرمان‌ها و راهبردهای عملیاتی و اجتماعی. نظام فکری مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که عده‌ای پایه و تعدادی پیرو هستند.

فهـم نظام مشـترک معنایـی (اصول و فـروض) و یا نظام فکـری جریان، نیازمنـد بهره‌گیری از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

روش‌هـای فهـم متن و نظریه، نظیر روش‌هـای اصول فقهی و هرمنوتیکـی، روش زمینه‌ای و روش تحلیل گفتمان اسـت. برای شـناخت این بعد از جریان، قدم اول، انتخاب و مراجعه به متن است. منظـور از متـن، متونی اسـت کـه جریان (یـا متفکران اصلـی جریان) تولیـد کرده‌انـد و در قالب سـخنرانی‌ها، گفتارها، کتاب‌ها، مقالات، یادداشت‌ها، گزارش‌ها، خاطره‌ها، مصاحبه‌ها وغیره ارائه شده‌اند؛ در این میان، متون دست اول اعتبار و اهمیت بالاتری نسبت‌به دیگر متون دارند.

فهم متون عموماً دارای دو مرحله است: بررسی سندی و بررسی محتوایی (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۵۰). در بررسـی سندی، صحت انتسـاب متن به جریان سنجیده می‌شود تا اعتبار متن احراز شـود. در بررسی محتوایی، با استفاده از روش‌های فهم متن (که پیش‌تر ذکر شد)، برداشتی معقول و منسجم از متن ارائه می‌شود.

۲ـ۲ـ۳ـ۲. جمعیت و افراد

علاوه‌بر نظام فکری، گاهی جمعیت و افراد یک جریان، به‌قدری سـاختارمند و منسجم هستند که خود شـبکه‌ای از نیروی انسـانی را تشـکیل می‌دهند و حتی گاهی سـازمان یا سـازمان‌هایی را شـکل می‌دهند. در نظام مشـترک معنایی گفته شـد که عموماً جریان‌ها «فکری» هسـتند که اصول و فروضشـان درحد نظام فکری اسـت. در اینجا نیز بیان می‌شـود که عموماً جریان‌های «سیاسی» قدرتمند و پیشرو، دارای شبکهٔ نیروی انسانی هستند و سازمان‌هایی رسمی را نیز به خود اختصاص می‌دهند؛ بنابراین، در شناخت این بعد از جریان‌های سیاسی لازم است روش سیستمی به‌کار گرفته شود.

در مطالعهٔ جمعیت و افراد، لازم اسـت زنجیرهٔ ارتباطی‌شـان کشـف و مشـخص شـود. برای شناخت جمعیت و افراد جریان می‌توان از دو شیوه بهره برد:

الـف ـ تصریـح خود جریان یا خود افراد: در چنین حالتی، خـود جریان تصریح می‌کند که چه افـرادی مخاطـب و چه افـرادی مدیر و چه افرادی مجریان جریان هسـتند یا افراد خود را رسـماً به جریانی منتسـب می‌کنند. هرچند، چنان‌که دانسـتیم، رسـمیت در جریان معنا ندارد و هر انتساب رسـمی، درحقیقت یک انتساب شأنی است، اما همین انتسـاب‌های شأنی زمینهٔ مطالعه و بررسی را فراهم می‌کنند.

ب ـ شـناخت ازطریق اثرها: با ریشه‌گیری، پی‌جویی و تبارشناسی تأثیری که جریان می‌گذارد، می‌توان به مخاطبین و جغرافیا و مجریان دست یافت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۲ـ۲ـ۳ـ۳. اثرگذاری

مهم‌ترین بعد جریان، بعد از اصول و فروض، اثرگذاری است؛ درواقع، این تأثیر یک تفکر است که به اندیشــه، هویت جریانی می‌دهد و درواقع، اثرها امتدادهای اندیشه‌ها محسوب می‌شوند. تقسیم جریــان بــه جریان فکری، جریــان فرهنگی، جریان سیاســی وغیره از جهت رکــن اثرگذاری جریان است. جریانی که بر فضای فکری جامعه اثر می‌گذارد جریان فکری؛ جریانی که بر فضای فرهنگی اثر می‌گذارد جریان فرهنگی و جریانی که بر فضای سیاسی اثر می‌گذارد، جریان سیاسی است.

پویایی و حرکت، مدیریت و بهره‌گیری از جمعیت، همگی می‌توانند خود را در اثرگذاری جریان خلاصــه کننــد؛ به عبارتی، اثرگــذاری جریان، ثمر و بروز و ظهور جریان اســت و نتیجهٔ جمعیت و برنامه‌ریزی و مدیریت جریان است. ازاین‌رو، تمامی ابعاد دیگر، در این قسمت خودنمایی می‌کنند؛ بنابراین، نوع اثرگذاری جریان می‌تواند مشخص‌کنندهٔ ابعاد و اوصاف دیگر آن (نظیر نوع مدیریت، مخاطبین، استفاده از نیروها وغیره) باشد.

برای اثرگذاری، به علت طیف وسیع و گسترده‌اش که تمام فعالیت‌های انسانی را شامل می‌شود، نمی‌توان روش واحدی را معرفی کرد. یکی از منابع مطالعهٔ اثرگذاری جریانْ تاریخ اســت. بررســی میدانی، موردی و آماری نیز از روش‌های مهم سنجش و مطالعهٔ اثرگذاری‌ها هستند.

۲ـ۲ـ۴. فهم یکپارچه (سیستمی) جریان و ارزیابی درونی آن

روش میان‌رشــته‌ای، جمع میان رویکرد تحلیلی و رویکرد ترکیبی در تحقیق و شــناخت اســت (ریکــو، ۱۳۹۶: صــص ۳۴۲ـ۳۳۹؛ محمدی و دیگــران، ۱۳۸۹: صص ۲۰ـ۱۸؛ رضائیــان، ۱۳۹۵: ص ۷۲). درحقیقت، ایجاد شــبکهٔ مسائل سیستم، تبدیل یک کل واحد به اجزا و روابط تشکیل‌دهندهٔ آن است و درواقع، رویکردی تحلیلی محسوب می‌شود؛ بنابراین، سیر حرکت در این مرحله، گذار از وحدت و کلیت به کثرت و جزئیت است. بعد از این مرحله است که روش‌ها و دانش‌های تخصصی به‌میان می‌آیند و هر کدام پاســخ به مســئله‌ای از شبکهٔ مسائل را متکفل می‌شــوند. بعد از پاسخ‌گیری از دانش‌ها و روش‌ها و حل تک‌مســئله‌ها و شناخت ابعاد سیســتم، به مجموعه‌ای از گزاره‌ها دست می‌یابیم، اما ایــن گزاره‌هــا متفرق‌اند و کل یکپارچه را معرفــی نمی‌کنند؛ درواقع، در روند مطالعهٔ میان‌رشــته‌ای نیازمنــد مرحله‌ای هســتیم که از کثرت و جزئیت بــه وحدت و کلیت بازگردیم و سیســتم را به‌مثابه مجموعه‌ای منســجم از اجزا و روابط معرفی کنیم، نه به‌مثابه مجموعه‌ای از عناصر متفرق و جدا از هم و این همان مرحله‌ای است که رویکرد ترکیبی اعمال می‌شود.

فهــم یکپارچــهٔ اجزا یــا ره‌آورد رویکرد ترکیبی، نوعی ارزیابی و ســنجش سیســتم اســت که با

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

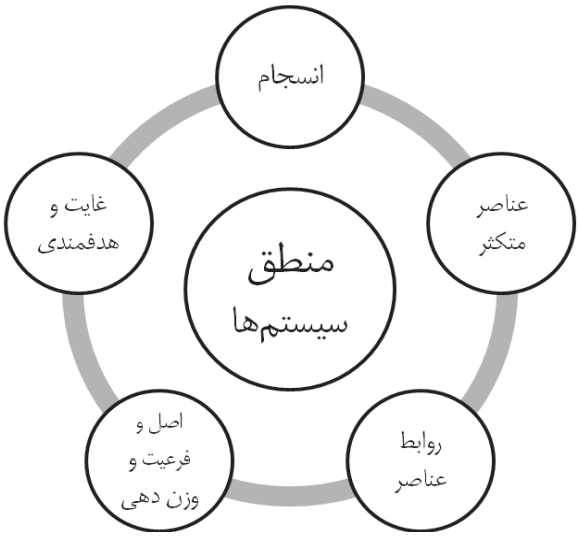
بهره‌گیری از منطق سیستم‌ها حاصل می‌شود. منطق سیستم‌ها درواقع اصول حاکم بر سیستم‌هاست که به‌منزلهٔ نقشـهٔ راه در مطالعات میان‌رشـته‌ای استفاده می‌شـود و نقش صفحهٔ زیرین پازل را بازی می‌کنـد. این منطق سیستم‌هاسـت که ارزش افزودهٔ سیسـتم نسـبت‌به اجزای جـدا از هم را تأمین می‌کند. چنان‌که دانستیم، سیستم و شبکه، مساوی مجموعهٔ اجزا نیست،[1] بلکه سیستم چیزی بیشتر از عناصر اسـت (خورسـندی طاسـکوه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۶). عناصر به همراه ارتباط‌های میانشـان سیسـتم را می‌سـازند؛ بنابراین، ربط میان اجزا محصول نگاه میان‌رشـته‌ای و سیستمی است. بدون بهره‌گیری از منطق سیسـتم‌ها، تحقیق به آفت مطالعات تخصصی دچار می‌شـود، اما با اعمال این منطـق در مرحلهٔ نظریه‌پردازی، بعد از اثبـات تک‌گزاره‌ها ـ که در گروی روش‌های تخصصی بود ـ ربط و شـبکه میان آن‌ها ساخته می‌شـود و بین آن‌ها انسجام سیستمی برقرار می‌شود. اساساً ترکیب یافته‌ها و تلفیق، در مطالعات میان‌رشـته‌ای، به معنای الحاق سـاده و جمع مکانیکی نیسـت، بلکه منظور شـناخت ترکیبی و منسـجم ازطریـق هم‌افزایی روش‌ها و دانش‌هاسـت. منطق سیسـتم‌ها، مسئولیت یکپارچه‌سازی دیدگاه‌ها، تئوری‌ها و محصولات روش‌ها را بر عهده دارد (ریکو، ۱۳۹۶: صص ۳۱ـ۳۰، ۲۱۴ـ۲۱۳؛ لاتوکا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵؛ فرامرز قراملکی و سیاری، ۱۳۸۹: ص ۷۵).

فهم یکپارچگی سیسـتم محصول بهره‌گیری از منطق سیستم‌هاسـت. منطق سیسـتم با تحلیل هویت سیسـتم شـکل می‌گیرد و متشکل از پنج شاخصه اسـت: ۱. وجود عناصر متکثر؛ ۲. وجود روابط؛ ۳. اصل و فرعیت و وزن‌دهی؛ ۴. انسجام‌گروی؛ ۵.غایتمندی.

۱. شـبکه یا نظام (سیسـتم)، مجموعه‌ای از اجزا و عناصر اسـت که برای تأمین هدف واحد، کل واحدی را تشـکیل داده‌اند و با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. در هر شبکه، بین اجزا و عناصر رابطهٔ اصل و فرع برقرار است و تغییر در یک جزء (متغیر) بر دیگر اجزا و بر کل تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر (از این حیث که جزئی از کل هسـتند) اثر مسـتقل و جدا از مجموعه ندارند (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: صص ۳۴ـ۳۱؛ واسـطی، ۱۳۹۴: ص ۴۱؛ حبیبی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۹؛ رضائیـان، ۱۳۹۵: ص ۷۱؛ رابینـز، ۱۳۹۶: ص ۳۰؛ فقیـه، ۱۳۹۳: صص ۳، ۱۱؛ متیـن، ۱۳۸۸: ص ۱۰۰؛ ریکو، ۱۳۹۶: ص ۲۵۶؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۵؛ متین، ۱۳۹۲: صص ۱۷۵ـ۱۷۴).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]



شکل۷. ابعاد منطق سیستم‌ها

از آنجا که الگوی سیستم ایدئال، متشکل از متغیرهای ثبوتی ممکن در نسبتی بهینه و دارای انسجام است و سیستم پویا و زنده اجزای خود را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که نه‌تنها حیات خود را حفظ کند و بی‌نظمی افزایش نیابد و آنتروپی کنترل شود، بلکه می‌کوشد در مسیر رشد باشد و به نظم ساختاری مستحکم‌تری دست یابد. مطابق با الگوی منطق سیستم‌ها، پازلی تشکیل می‌شود که هر گزارهٔ حل‌شدهٔ شبکهٔ مسائل، در شیاری از آن جاسازی می‌شود. در این منطق، زمانی به صحت پازل ساخته‌شده حکم می‌شود که اجزا در انسجام با یکدیگر قرار بگیرند و مدلی معنادار را بسازند. ایجاد و پاسداری از انسجام سیستم در روند پژوهش میان‌رشته‌ای، گاهی نیاز به بازگشت به مراحل قبلی تحقیق دارد تا در نهایت ازطریق این چرخش‌های پژوهانه، کامل‌ترین و بهترین تبیین از موضوع اتفاق بیفتد.

۲ـ۲ـ۴ـ۱. شیوهٔ فهم یکپارچهٔ جریان

فهم یکپارچگی سیستم و بهره‌گیری از منطق سیستم‌ها و الگوی انسجام‌گروی سیستمی ازطریق رفت‌وبرگشت‌های متناوب «فرضیه‌سازی» و «سنجش انسجام» به‌دست می‌آید. فرضیه پاسخ حدسی و احتمالی محقق به مسئله است؛ درواقع، برای مسئلهٔ تحقیق، پاسخ یا پاسخ‌هایی[1] کوتاه

۱. از آنجا که مسئلهٔ اصلی هر پژوهش سؤالی باز است، طبیعتاً می‌توان به آن پاسخ‌هایی متفاوت داد؛ بنابراین، علاوه‌بر فرضیهٔ اصلی، می‌توان پاسخ‌های دیگری نیز به سؤال داد که اگر واجد شرایط فرضیهٔ اصلی باشند، با عنوان

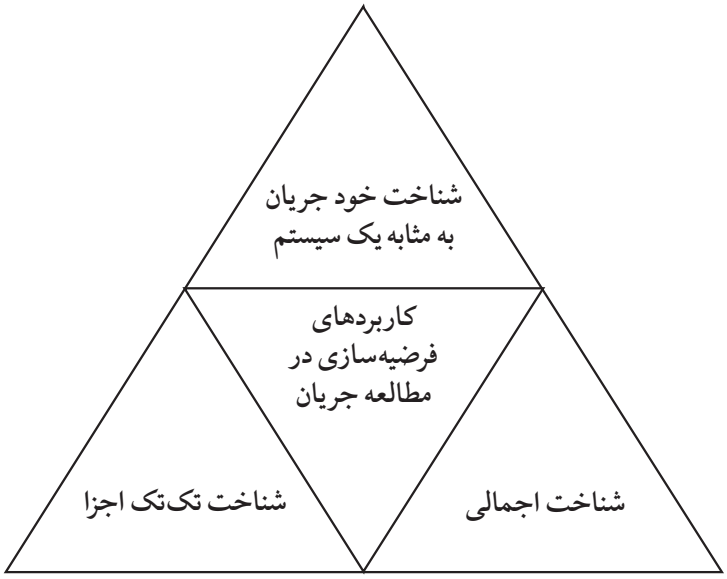
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

تدوین می‌شـوند که فرضیه نـام می‌گیرند (فرامـرز قراملکـی، ۱۳۹۲: ص ۱۴۲)؛ بنابراین، فرضیه نوعی تصور ظنی و حدسـی است که به‌عنوان پیشـنهاد اولیه برای حل مسئلهٔ تحقیق ارائه می‌شود و فرایند ارزیابی تحقیق می‌کوشد فرضیه را بیازماید (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۸۸؛ ملائی توانی، ۱۳۹۰: ص ۷۴).

اثـر مهـم فرضیه آن اسـت که به‌مثابه یـک خط راهنمای مؤثـر، پژوهش را از میان پاسـخ‌های مختلف، به سـمت پاسخی که بیشـترین احتمال را دارد، هدایت می‌کند. اگر فرضیه‌ای برای مسئلهٔ تحقیق ارائه نشود، محقق درپی مجموعه‌ای از روابط نامعلوم و مبهم برآمده، به آشفتگی و سردرگمی دچار می‌شـود (حبیبی، ۱۳۸۶: ص ۸۳؛ ملائی توانی، ۱۳۹۰: ص ۷۴)؛ بنابراین، فرضیه حدس و گمان صِرف نیست، بلکه احتمالی است که پس از تجزیه و تحلیل اولیهٔ اطلاعات به ذهن می‌رسد و درواقع الگوی اولیه از نتیجهٔ نهایی است (واسطی، ۱۳۹۴: ص ۱۵۱).

۲ـ۲ـ۴ـ۱ـ۱. کاربردهای فرضیه‌سازی در مراحل جریان‌شناسی

در مراحل جریان‌شناسی، فرضیه‌سازی در سه جا کاربرد دارد: ۱. مرحلهٔ شناخت اجمالی؛ ۲. شناخت تک‌تک اجزا؛ ۳. شناخت خود جریان به‌مثابه یک سیستم. چنان‌که دانستیم، مرحلهٔ شناخت اجمالی جریان‌ها که در مقام موضوع‌شناسی و ارائهٔ طرح اولیه از جریان‌های موجود و تحقق‌یافته است، نوعی فرضیه‌سازی و چهارچوب اولیه برای مرحلهٔ شناخت تفصیلی و عمیق جریان‌هاست.



شکل۸. اضلاع سه‌گانه کاربرد فرضیه‌سازی در مطالعه جریان

فرضیات رقیب یا جانشین مطرح می‌شوند (ر.ک.: ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۷۷ـ۷۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

به‌طور کلی، فرضیه‌سازی جزئی از مراحل اصلی روش‌های تحقیق تخصصی است. عموم روش‌های تحقیق اعم از کمی و کیفی، در گام‌های اول خود از فرضیه‌سازی به‌عنوان یکی از مراحل اصلی یاد می‌کنند؛ بنابراین، درحین شناخت اجزا و عناصر جریان نیز، که از روش‌های جزئی و تخصصی علمی بهره برده می‌شود، فرضیه‌سازی کاربرد دارد و استفاده می‌شود.

اما مهم‌ترین کاربرد فرضیه‌سازی در مطالعهٔ میان‌رشته‌ای، در مرحلهٔ شناخت ترکیبی و سیستمی است. در این مرحله برای آنکه شناخت‌های جزئی و متکثر، یکپارچه شوند و آینه‌ای از سیستم را بسازند، لازم است براساس منطق انسجام‌گروی سیستمی، فرضیه‌سازی شود.

۲ـ۲ـ۴ـ ۱ـ۲. انسجام سیستمی به‌مثابه معیار اعتبارسنجی فرضیه‌ها

مهم‌ترین ویژگی یک فرضیهٔ مناسب، انسجام درونی ظاهری است؛ یعنی با اصول مسلم عقلی یا داده‌های معتبر علمی ناسازگار و یا دارای لوازم نامعقول نباشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ص ۸۴)؛ بنابراین، انسجام نه‌تنها یکی از ویژگی‌هایی است که در هنگام ارائهٔ فرضیه درنظر گرفته می‌شود، بلکه یکی از بهترین راه‌های سنجش و اعتبارسنجی آن است.

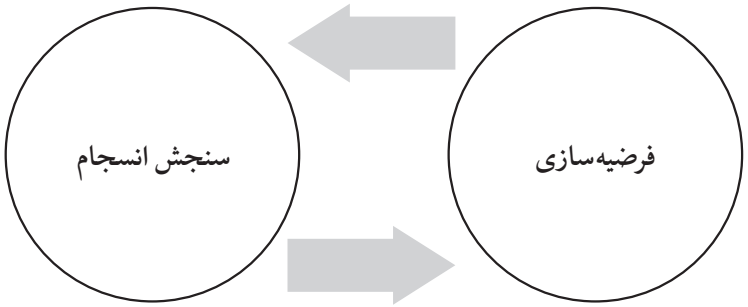
فرضیه‌ها را می‌توان از دو جنبهٔ درونی و بیرونی سنجید و آن‌ها را اعتباریابی کرد. جهت درونی یعنی اجزای درونی و ارتباطات بین آن‌ها و جهت بیرونی یعنی اصول مسلم عقلی یا معادلات و قوانین علمی. هماهنگی درونی بدین معناست که جمله‌ها و مفاهیمی که فرضیه را تشکیل داده‌اند، با هم متناقض یا متضاد نباشند و پذیرش یکی سبب رد دیگری نشود. هماهنگی بیرونی آن است که فرضیه یا لوازم آن را با پارادایم و اصول کلی فلسفی و علمی دیگر می‌سنجیم (واسطی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۰). گاهی انسجام، خود معیار صدق فرضیه است که در این صورت فرضیهٔ دارای بهترین انسجام، تصدیق و تأیید می‌شود و گاهی معیار صدق، آزمایش یا سنجش دیگری است که در این صورت، فرضیه‌ای که انسجام اولیه را داشته باشد به بوتهٔ آزمایش سپرده می‌شود.

فرضیه‌سازی در مرحلهٔ شناخت سیستمی جریان، از نوع فرضیه‌هایی است که معیار صدق آن بهترین انسجام است. جایگاه انسجام در اعتبار سیستم به‌منزلهٔ معناداری اشکال و قطعات در پازل است. قطعات یک پازل، به نحوه‌های گوناگونی می‌توانند کنار هم قرار بگیرند و پازل را تکمیل کنند، اما چینندهٔ قطعات پازل همواره مراقب است قطعات در کنار هم معنا داشته باشند و یکدیگر را کامل کنند. او قطعات را در قسمت‌های مختلف امتحان می‌کند و در نهایت، قطعه را در مکانی قرار می‌دهد که با عناصر کناری ایجاد یک بافت و معنای واحد کند. این مراقبت از هم‌معنایی در شکل و رنگ، همان مراقبت از انسجام در سیستم است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

استعارهٔ «ساختن جورچین سه‌بعدی» فرایند تلفیق و انسجام‌دهی را معرفی می‌کند. اهمیت این استعاره در دلالت‌های روش‌شناختی آن در مطالعهٔ میان‌رشته‌ای است. عموماً در ساخت هر پازل، شخص می‌کوشد کار را از نقطه‌ای آغاز کند که روشن‌تر و مستحکم‌تر از بقیهٔ نقاط است؛ مثل گوشه‌های پازل که از دو جهت کامل است. هیچ‌گاه شخص از قطعات وسط و میانی برای درست‌کردن جورچین استفاده نمی‌کند، مگر آنکه از صحت آن اطمینان داشته باشد. استعارهٔ پازل این نکته را رهنمون می‌کند که برای اعمال انسجام، از کدام نقاط آغاز کنیم؟ به‌عبارتی، یک سیستم منسجم در شروع طرح‌ریزی از چه نقطه‌ای آغاز شود تا عملیات طراحی با موفقیت به‌پایان برسد و تناقضات میانی، طراحی را تخریب نکند؟ در پاسخ باید گفت عنصر و متغیری که از بقیهٔ متغیرها ـ براساس تئوری مبناگروی ـ استحکام بیشتری دارد و به جایگاه آن مطمئن‌تریم، مبنای اولیه برای متغیرهای پیرامونی قرار می‌گیرد و انسجام متغیرهای بعدی در گرو انسجام با متغیر مطمئن سنجیده می‌شود. این نکتهٔ کاربردی، هم در طراحی سیستم و هم در سنجش سیستم قابل استفاده است.

بنابراین، فهم یکپارچهٔ جریان با استفاده از فرضیه‌سازی مکرر و سپس سنجش انسجام آن است تا در این چرخهٔ حلقوی، به بهترین انسجام دست یابیم. جریان‌شناس در این مرحله می‌کوشد براساس محکمات جریان ـ مثل اصول اساسی یا اهداف و نقاط مطلوب ـ فرضیه‌سازی را آغاز کند. او گزاره‌های متفرق نتیجه‌گرفته‌شده در مراحل قبلی را در کنار هم قرار می‌دهد و میان آن‌ها نسبت و رابطهٔ اصل و فرعی برقرار می‌کند و وزن هر کدام را ازحیث تأثیرگذاری و قدرت معین می‌کند. نتیجهٔ این چینش گزاره‌ها در کنار هم، شبکه یا شبکه‌هایی از گزاره‌هاست. با توجه به معیار انسجام سیستمی، فرضیه‌ای معقول و پذیرفته است که منسجم‌ترین و بهترین تبیین از جریان را ارائه دهد؛ به‌عبارتی، بین دو نسبت که صحت شأنی دارند، نسبتی صحیح است که انسجام بیشتری با ارکان و نسبت‌های دیگر داشته باشد.



شکل۹. چرخش رفت‌وبرگشتی میان فرضیه‌سازی و سنجش انسجام برای دست‌یابی به بهترین تبیین از جریان

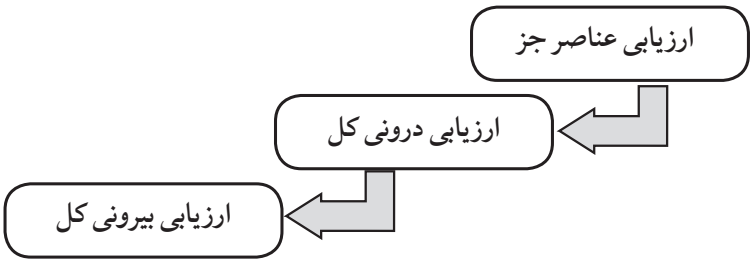
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

شـبکهٔ تشکیل‌یافته و تأییدشـده، به علت ایجاد هم‌معنایی میان اجزا، فهم سیستمی و یکپارچهٔ جریـان را نتیجه می‌دهد. برای مثال بررسـی اثرگذاری جریـان می‌تواند یکی از عوامل فهم عمیق‌تر نظـام معنایی مشـترک جریان باشـد. مجملات و متشـابهات اصـول و فروض را می‌تـوان با اثرات جریان، بهتر درک و فهم کرد.

۲ـ۲ـ۴ـ۲. ارزیابی درونی جریان

فهم سیستمی و یکپارچهٔ جریان نوعی سنجش و ارزیابی سیستم است؛ به‌طور کلی، در مراحل جریان‌شناسـی، سه نوع ارزیابی دربارهٔ جریان اتفاق می‌افتد: ۱. ارزیابی عناصر؛ ۲. ارزیابی درونی و ۳. ارزیابی بیرونی.



شکل ۱۰. مراحل پی‌درپی ارزیابی درونی جریان

ارزیابی عناصر در شناخت هر بُعد از ابعاد جریان رخ می‌دهد. این نوع ارزیابی نتیجهٔ به‌کارگیری روش‌های تخصصی برای شناخت هر جزء یا عنصر است. برای نمونه هنگامی که با روش تاریخی، مؤسـس یا مدیر جریانی تاریخی شناسـایی می‌شود، زمانی آن شناسـایی معتبر تلقی می‌شود که از ارزیابی روش تاریخی سـربلند بیرون آید. بر این اساس، ارزیابی شناخت هر عنصر، در گرو اصول و انضباط‌های روش‌های تخصصی است.[۱]

ارزیابی درونی نوعی ارزیابی اسـت که در مرحلهٔ شـناخت توصیفی جریان اتفاق می‌افتد. در ارزیابـی درونی، بدون آنکه با چهارچوبی خارجی دربارهٔ جریان تحقق‌یافته داوری شـود، نسـبت

۱. به‌عبارت دقیق‌تر، مرحلهٔ شناخت عناصر جریان، خود دارای دو ارزیابی است: ۱. ارزیابی بعد از مرحلهٔ گردآوری؛ ۲. ارزیابی تخصصی. در مرحلهٔ اول، گزاره‌های جمع‌آوری‌شـده از این حیث ارزیابی و داوری می‌شوند که آیا اساساً قابـل اعتنا هسـتند و ارزش معرفت‌شـناختی دارنـد؟ در مرحلهٔ بعدی، گزاره‌هـای مختلف برای هر سـؤال، با روش تخصصی مخصوص به خود پردازش می‌شـوند. گزاره‌هایی که ناظر بر نظام مشترک معنایی هستند، با روش‌های فهم متـن و گزاره‌هـای ناظر بر رویدادهـا و اتفاق‌های تاریخی با داوری‌های روش تاریخی. آنچه در متن ذکر شـد، همین ارزیابی اخیر است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

جریان با اجزای خود سـنجیده می‌شود و به همین اعتبار، «درونی» نامیده می‌شود. ارزیابی درونی جریان شامل موارد زیر می‌شود:

۱. ارزیابی انسجام جریان؛ به‌ویژه سنجش ارکان جریان با بعد اثرگذاری؛

۲. سنجش جریان با اهداف و نقاط مطلوب تصویرشده در اصول و فروض خویش؛

۳. ارزیابی وضعیت تحقق‌یافتهٔ جریان با ادعاهای رسمی؛

۴. ارزیابی توانایی‌ها و پتانسیل‌ها (قوه‌ها)ی جریان؛

۵. مقایسه و مطالعهٔ تطبیقی میان دو جریان رقیب.[۱]

چنان‌که واضح اسـت، ارزیابی درونی جریانْ روی دیگر سـکهٔ شـناخت یکپارچگی جریان و نتیجهٔ اِعمال منطق سیستم‌هاست.

ارزیابی بیرونی جریان داوری و ارزش‌گذاری جریان براساس چهارچوب حق و باطل و سنجش عیار و خلوص جریان اسـت. همچنین، سنجش جریان براسـاس ملاک‌ها و معیارهای کاربردی و عملیاتی نیز، نوعی ارزیابی بیرونی جریان محسوب می‌شود.



شکل۱۱. مراحل تفصیلی ارزیابی درونی جریان

۳. مرحلهٔ شناخت ارزشی، داوری و تجویزی

بـا توجه بـه تأکید فـراوان پارادایم علم اسـلامی بر تفکیک مرحلهٔ شـناخت توصیفی از شـناخت

۱. از آنجا که جریان رقیبْ عنصری از عناصر محیطی جریان است و عناصر محیطی جریان در زمرهٔ عناصر مرتبط با خود جریان شمرده می‌شود، مطالعه و سنجش تطبیقی نیز جزء ارزیابی درونی محسوب می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

ارزشی، بعد از شناسایی جریان‌ها و مطالعهٔ توصیفی آن‌ها، نوبت به مطالعهٔ ارزشی و تجویزی آن‌ها می‌رسد. این مرحله شامل تعدادی ارزیابی بیرونی است. در نتیجهٔ این مرحله است که محصول جریان‌شناسی متناسب با نیاز عملیاتی، مقوله‌بندی و برای استفاده عرضه می‌شود. به‌طور کلی شناخت ارزشی و داوری دو مرحله است:

۳ـ۱. تعیین مقدار خلوص جریان

مبنای جریان‌شناسانهٔ پارادایم علم اسلامی، تقسیم دوگانهٔ حق و باطل در جریان‌شناسی است (ر.ک.: مطهری، ۱۳۷۷ج: صص ۴۱۶ـ۴۰۹، ۴۴۸ـ۴۲۷). بر این اساس، از مراحل مهم جریان‌شناسی، تعیین جایگاه جریان و چهارچوب جریان حق و باطل است؛ درواقع، در این مرحله، جریان‌ها متناسب با اصول ارزش‌شناختی ارزیابی می‌شوند و عیار و خلوصشان معین می‌شود.

براساس این مبنا، حق و باطل دو قطب شاقول ارزیابی را تشکیل می‌دهند و براساس آن‌ها طیفی دامنه‌دار از باطل محض تا حق محض ترسیم می‌شود. جریان‌های اجتماعی مختلف براساس مقدار قرابتشان به جریان حق، سنجیده و داوری می‌شوند.

۳ـ۲. دسته‌بندی جریان‌ها براساس معیارهای موردنیاز

در کنار تعیین خلوص جریان در چهارچوب حق و باطل می‌توان جریان‌های شناسایی‌شده را متناسب با نیاز خود در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها، براساس معیارها و ملاک‌های موردنیاز دسته‌بندی کرد. تقسیم‌بندی جریان‌ها نوعی ارزیابی جهت‌دار است و نشانگر اهمیت و ملاک‌بودن جهت تقسیم است؛ بنابراین، ملاک تقسیم جهت‌گیری اساسی جریان‌شناسی را مشخص می‌کند.

در بستر انقلاب اسلامی، عموم جریان‌شناسی‌ها ملاک‌های زیر را به‌عنوان جهت تقسیم جریان‌ها برمی‌گزینند:

۱. جایگاه دین در زندگی اجتماعی: آیا حاکمیت دین در تمام عرصه‌های اجتماعی پذیرفته می‌شود یا منحصر در زندگی اجتماعی است یا چیزی میان این دو؟

۲. غرب: مواجهه با غرب باید چگونه باشد؟ آیا باید همه‌چیز را پذیرفت یا همه‌چیز غربی را رد کرد یا پذیرشی گزینشی داشت؟

۳. ولایت فقیه: جایگاه و قلمرو ولایت فقیه چه مقدار است؟

بعد از طی مراحل جریان‌شناسی، نوبت به نگارش و عرضهٔ محصول جریان‌شناسی می‌رسد. در این مرحله، لازم است محصول و اطلاعات متناسب با نوع مخاطب طراحی و ارائه شود. آیا

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

می‌توان قاعده‌ای کلی و مدلی طولی در نگارش جریان‌شناسی ارائه داد؟ برای نمونه ابتدا تبارشناسی تاریخی یا ابتدا معرفی شـخصیت‌ها و سـپس بیان اصول و فروض جریان؟ به‌نظر می‌رسد متناسب با هر جریان یا متناسب با مخاطب، باید از الگویی خاص استفاده کرد. به‌طور کلی، می‌توان گفت اگر شروع نگارش از معرفی شخصیت اصلی مثل مؤسس یا از واقعه یا اثری کلیدی باشد، جذابیت بیشتری خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

جریان اجتماعی پدیده‌ای پیچیده اسـت؛ بنابراین، روش شـناخت آن الزاماً تلفیقی و میان‌رشـتگی است. چهارچوب الگوی مطالعهٔ میان‌رشـته‌ای جریان‌شناسی مبتنی‌بر پارادایم علم اسلامی، از دو مرحله تشـکیل می‌شود. این دو مرحله براساس تفکیک شناخت توصیفی از شناخت ارزشی شکل گرفته‌اند؛ بااین‌حال، قبل از شروع مطالعهٔ جریان لازم است چهارچوب فکری مشخصی را انتخاب کرد و لوازم معرفتی، مهارتی و گرایشـی لازم برای تحقیق موفق را کسـب کرد. این تحقیق، پارادایم علم اسلامی مبتنی‌بر حکمت اسلامی را به‌عنوان چهارچوب نظری خویش برگزیده است.

در مرحلـهٔ شـناخت توصیفـی جریان‌شناسـی، ابتدا شـناختی اجمالـی از جریان‌ها به‌دسـت می‌آید و سـپس شـناخت تفصیلی آن‌ها صورت می‌گیرد. بررسـی از بنیان‌ها، بررسـی از روبناها، تریبون‌ها و اعلام‌های رسـمی، شـناخت با ضد و رقیب، شـناخت با خرد و کلان، بررسـی روابط استاد و شاگردی، مطالعهٔ افراد شاخص، بررسی فهم عرفی و جریان‌شناسی‌های موجود نمونه‌ای از روش‌های شـناخت اجمالی جریان‌شناسی‌اند. محقق با این روش‌ها ظرفیت حدس‌های عالمانه را پیدا می‌کند و به نقشه‌ای اجمالی از جریان‌های موجود و بالفعل دست می‌یابد.

در شـناخت تفصیلی، با مجموعه‌ای از دانش‌ها و روش‌های معرفتی، به دنبال شـناخت شـبکهٔ مسائل جریان‌شناسـی خواهیم بود. به‌طور کلی می‌توان روش‌ها، علوم و منابع معرفتی موردنیاز در جریان‌شناسـی را در سه بسته دسـته‌بندی کرد: «بستهٔ الگویی»، «بستهٔ محتوایی» و «بستهٔ روشی». از منظر روش‌شـناختی، جریان‌شناس با تسلط بر علوم «بستهٔ الگویی» و اشراف بر ابزارهای «بستهٔ روشـی»، به سـراغ منابع «بسـتهٔ محتوایی» می‌رود و گزاره‌های معرفتی موردنیاز جریان‌شناسـی را اسـتخراج می‌کند. نظام مشترک معنایی، جمعیت و افراد و اثرگذاری، مهم‌ترین ابعاد جریان هستند که باید مطالعه شوند.

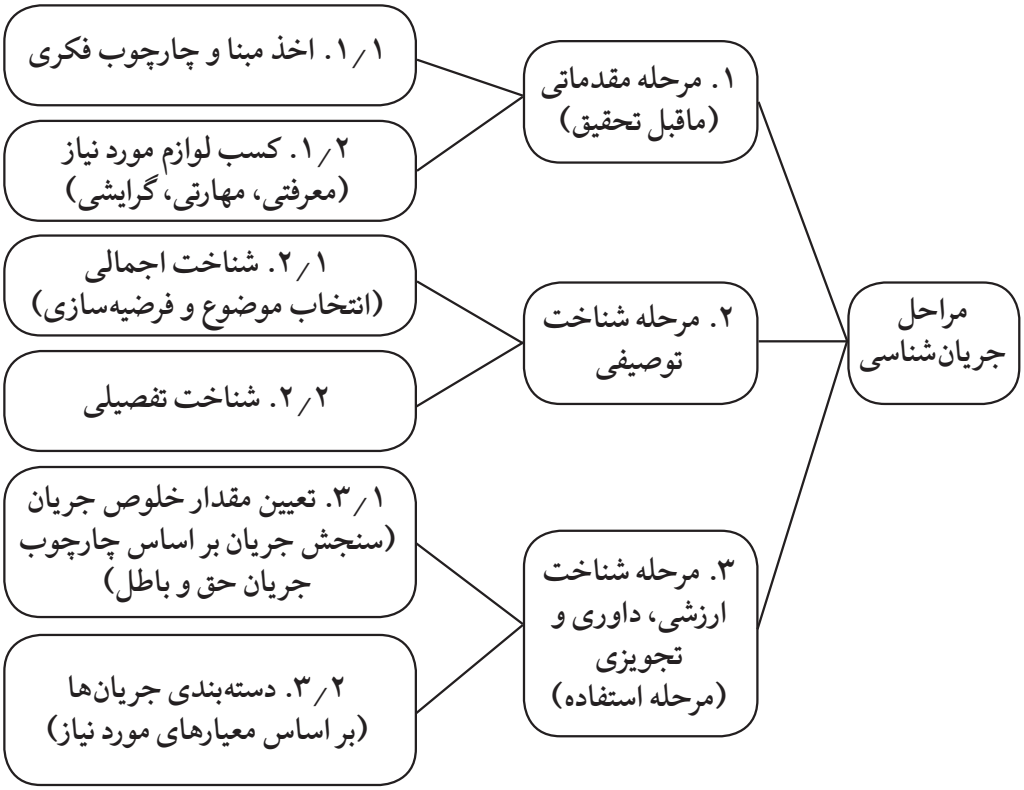
بعد از شـناخت ابعاد جریان، لازم اسـت اطلاعات متکثر، به سـاختاری منسـجم دست یابند تـا بتـوان از جریان اجتماعـی به مدلی کارآمد دسـت یافت. سـیر از کثرت اطلاعـات به وحدت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

شناختی، با اعمال منطق سیستم‌ها و انسجام‌گروی محقق می‌شود. فهم یکپارچگی جریان ازطریق رفت‌وبرگشت‌های متناوب «فرضیه‌سازی» و «سنجش انسجام» به‌دست می‌آید. انسجام معیار ارزیابی درونی جریان‌شناسی است.

بعد از آنکه جریان به‌صورت فی‌نفسه شناخته شد، مرحلهٔ شناخت ارزشی داوری و تجویزی می‌رسد. در این مرحله لازم است ابتدا جریان‌ها براساس معیار حق و باطل، که اصل جریان‌شناسانهٔ اندیشهٔ اسلامی است، ارزیابی شوند و عیار آن‌ها مشخص شود. سپس می‌توان جریان‌ها را براساس شاخص‌های موردنیاز براساس ضرورت‌های کاربردی و عملیاتی دسته‌بندی کرد. جایگاه دین در زندگی اجتماعی و نحوهٔ مواجهه با غرب و ولایت‌فقیه مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که می‌توان جریان‌های مختلف فکری، فرهنگی و سیاسی را براساس آن‌ها دسته‌بندی کرد.



نمودار۳. مراحل تفصیلی روش جریان‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

کتابنامه

۱. ابراهیم‌پور، علی. ۱۳۹۸. **بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی «جریان» و «جریان‌شناسی»**. فصل‌نامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی (پذیرش قطعی).

۲. ـــــــــــــ ۱۳۹۷. **تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی-معرفتی «جریان» به‌مثابه موضوع دانش جریان‌شناسی**. همایش بین‌المللی جریان‌شناسی فرهنگی در عرصهٔ بین‌الملل. قم: جامعه‌المصطفی.

۳. اسکات، ریچارد. ۱۳۹۳. **سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز**. ترجمهٔ دکتر حسن میرزایی اهرنجانی. تهران: سمت. چاپ هفتم.

۴. اسمیت، فیلیپ؛ رایلی، الکساندر. ۱۳۹۴. **نظریهٔ فرهنگی**. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی. چاپ اول.

۵. اعرافی، علیرضا. ۱۳۹۵. **هرمنوتیک**. قم: نشر اشراق و عرفان. چاپ اول.

۶. الوانی، سید مهدی. ۱۳۸۸. **مدیریت عمومی**. ویراست سوم. تهران: نشر نی. چاپ سی‌وهفتم.

۷. الهی راد، صفدر. ۱۳۹۵. **آشنایی با هرمنوتیک**. قم: مؤسسهٔ امام خمینی. چاپ اول.

۸. امین‌پور، فاطمه. ۱۳۹۰. **روش‌شناسی اجتماعی از منظر قرآن**. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.

۹. ایمان، محمد تقی. ۱۳۹۳. **روش‌شناسی تحقیقات کیفی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.

۱۰. ـــــــــــــ ۱۳۹۴. **فلسفهٔ روش تحقیق در علوم انسانی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.

۱۱. برازو، ژاک. ۱۳۸۷. «**دانش میان‌رشته‌ای و تحصیلات عالیه**». ترجمهٔ توحیده ملاباشی. چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. تهران: نشر پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.

۱۲. بلیکی، نورمن. ۱۳۹۳. **پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی**. ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات سید حمید رضا حسنی، محمد تقی ایمان و سید مسعود ماجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.

۱۳. بیرو، آلن. ۱۳۸۰. **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمهٔ باقر ساروخانی. تهران: کیهان. چاپ چهارم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۱۴. پارسانیا، حمید. ۱۳۹۰. **روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی**. قم: کتاب فردا. چاپ اول.
۱۵. پاکتچی، احمد. ۱۳۹۱. **روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث**. تهران: دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام). چاپ اول.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. **فطرت در قرآن**. تنظیم محمد رضا مصطفی‌پور. قم: اسراء. چاپ هفتم.
۱۷. حبیبی، رضا. ۱۳۸۶. **درآمدی بر فلسفهٔ علم**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی. چاپ اول.
۱۸. حسین‌زاده، محمد. ۱۳۸۶. **منابع معرفت**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ اول.
۱۹. ـــــــــــــ. ۱۳۹۳. **مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی در اندیشهٔ اسلامی؛ دفتر اول: ارائهٔ مبانی**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ اول.
۲۰. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۲. «**جریان‌شناسی تفریح من است!**». مصاحبه با پایگاه علمی‌تحلیلی گذار. انتشار: ۱۴ دی ۱۳۹۲.Gozaar.ir. دریافت در مرداد۱۳۹۳.
۲۱. ـــــــــــــ. ۱۳۹۳. **در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی**. جلد اول. قم: معارف. چاپ اول.
۲۲. خواص، امیر. ۱۳۹۳. **درس‌نامهٔ تفکر نقدی**. قم: مؤسسهٔ امام خمینی. چاپ دوم.
۲۳. خورسندی طاسکوه، علی. ۱۳۹۶. **گفتمان میان‌رشته‌ای دانش**. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۲۴. رابینز، استیون. ۱۳۹۶. **تئوری سازمان: ساختار و طرح سازمانی**. ترجمهٔ سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار. چاپ چهل‌وششم.
۲۵. رابینز، استیون؛ جان، تیموتی. ۱۳۹۶. **رفتار سازمانی**. ترجمهٔ مهدی زارع. تهران: انتشارات نص. چاپ هفتم.
۲۶. ریکو، آلن. ۱۳۹۶. **پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند**. ترجمهٔ محسن علوی‌پور، علی اکبر نورعلیوند، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۲۷. رضائیان، علی. ۱۳۸۴. **اصول مدیریت**. تهران: سمت. چاپ هفدهم.
۲۸. ـــــــــــــ. ۱۳۸۷. **مبانی مدیریت رفتار سازمانی**. تهران: سمت. چاپ نهم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۲۹. ـــــــــــــ. ۱۳۹۵. **مبانی سازمان و مدیریت**. تهران: سمت. چاپ نوزدهم.
۳۰. زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۱. **تاریخ در ترازو**. تهران: امیرکبیر. چاپ هفتم.
۳۱. ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵. **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوم.
۳۲. سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۴۲۷. **بحوث فی الملل و النحل**. جلد ۲. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. چاپ اول.
۳۳. سبزواری، ملاهادی. ۱۳۶۹. **شرح المنظومة**. جلد ۵. تصحیح علامه حسن‌زاده آملی. تهران: نشر ناب. چاپ اول.
۳۴. سلطانی، سید علی اصغر. ۱۳۸۳. «**تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش**». نشریهٔ علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. زمستان۸۳. شمارهٔ ۲۸.
۳۵. شریفی، احمد حسین. ۱۳۹۳. **مبانی علوم انسانی اسلامی**. تهران: آفتاب توسعه. چاپ اول.
۳۶. فرامرز قراملکی، احد. ۱۳۹۲. **روش‌شناسی مطالعات دینی**. مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی. چاپ هشتم.
۳۷. فرامرز قراملکی، احد؛ سیاری، سعیده. ۱۳۸۹. «**مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی و رهیافت‌ها**». مجلهٔ فلسفه و کلام اسلامی. سال چهل‌وسوم. شمارهٔ ۲.
۳۸. فقیه، نظام‌الدین. ۱۳۹۳. **سیستم‌های پویا (اصول و تعیین هویت)**. تهران: سمت. چاپ دوم.
۳۹. فوردمن، رابرد . ۱۳۸۷. «**پرسش از میان‌رشتگی**». ترجمهٔ ارکان شریفی. چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. تهران: نشر پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ اول.
۴۰. کاظمی مقدم، ایمان. ۱۳۹۵. **درس‌نامهٔ آموزشی نظریهٔ شبکهٔ مسائل**. مشهد: مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ اول.
۴۱. گلکار، محمد حسین. ۱۳۹۵. **درس‌نامهٔ پارادایم شبکه‌ای و مقایسهٔ آن با پارادایم‌های رایج**. مشهد: مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ اول.
۴۲. گلوور، دیوید؛ استرابریچ، شیلاف؛ توکل، محمد. ۱۳۸۸. **جامعه‌شناسی معرفت و علم**. ترجمهٔ شاپور بهیان، حامد حاجی حیدری، حسن ملک، محمدرضا مهدی‌زاده، جمال محمدی. تهران: سمت. چاپ چهارم.
۴۳. لاتوکا، لیسا. ۱۳۸۷. «**آموختن کار میان‌رشته‌ای (رویکردی اجتماعی-فرهنگی به**

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

کار دانشگاهی)». ترجمهٔ سید محسن علوی‌پور. چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. تهران: نشر پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۴۴. متین، منصور. ۱۳۸۸. **تفکر میان‌رشته‌ای**. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
۴۵. ـــــــــــ. ۱۳۹۲. **فرهنگ اصطلاحات میان‌رشته‌ای**. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
۴۶. محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. **روش تحقیق کیفی ضدروش**. جلد ۱. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
۴۷. ـــــــــــ. ۱۳۹۲ب. **روش تحقیق کیفی ضدروش**. جلد ۲. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
۴۸. محمدی، داوود؛ رمضان، مجید؛ ابراهیمی، محمدرضا. ۱۳۸۹. **تجزیه و تحلیل سیستم‌ها (تفکر سیستمی)**. تهران: ققنوس. چاپ اول.
۴۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷الف. **مجموعه آثار**. جلد ۲۲ (وحی و نبوت). قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم.
۵۰. ـــــــــــ. ۱۳۷۷ب. **مجموعه آثار**. جلد ۲۳ (تقوا؛ ده گفتار). قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم.
۵۱. ـــــــــــ. ۱۳۷۷ج. **مجموعه آثار**. جلد ۳ (نبرد حق و باطل). قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم.
۵۲. ملائی توانی، علیرضا. ۱۳۹۰. **درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ**. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
۵۳. ملکیان، مصطفی. ۱۳۷۳. **تفکر نقدی**. جزوهٔ درس‌گفتار. http://bidgoli1371.blogfa.com/category/18. دریافت در بهمن۱۳۹۷.
۵۴. موسوی، آرش. ۱۳۹۰. **درآمدی بر روان‌شناسی علم**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۵۵. مولکی، مایکل. ۱۳۸۹. **علم و جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمهٔ حسین کچویان. تهران: نشر نی. چاپ سوم.
۵۶. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۱. **نگرش سیستمی به دین**. مشهد: مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ سوم.
۵۷. ـــــــــــ. ۱۳۹۴. **راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی**. مشهد: مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. چاپ سوم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]

۵۸. ـــــــــــــــــــ. بی‌تا. «**پارادایم شبکه‌ای**». در سایت مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام: www.isin.ir. دریافت در بهمن ۱۳۹۶.
۵۹. واعظی، احمد. ۱۳۸۹. **درآمدی بر هرمنوتیک**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی. چاپ ششم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.6.7]